

سوکند به قلم و آنچه می نویسند

موفقیت در آزمون های حقوقی آرزوی شیرینی است؛ شوق
برای قبولی در آزمون وکالت راه اعاشه ای برای مؤسسات و
مدرسینی را فراهم کرده که با تبلیغات فریبا سعی در جذب
دانشجویان دارند. این موفقیت هیچ معجون جادویی یا
فرمول سری ندارد! این نخستین بار است که کامل ترین و
ساده ترین جزوه حقوق جزای عمومی ۲ به صورت رایگان
قابل دریافت است. این جزوه به روشی ساده - اما
شگفت انگیز - موفقیت شما را تضمین می کند.

آخرین بروزرسانی: ۱۴۰۲

جزوه حقوق جزای عمومی ۲

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری و عضو هیأت علمی دانشگاه)

به کوشش انور یوسفی

بسیاری از اوونهایی که می خوان در آزمون های حقوقی قبول بشن در انبوه کتاب های موجود در آشفته بازار حقوقی و همچنین شمار زیاد مؤسسات آموزشی، سردرگم هستند و نمی دانند چگونه تصمیم بگیرند و یا نمی توانند به یک تصمیم قطعی برسند. این سردرگمی، طبیعی ست اما فقط یک روز آن! انتخاب هم جزوه و هم کتاب مرجع، انتخاب خوبی نیست؛ نباید دور خود را شلوغ کنیم! تضمین می کنم این جزوه، برای آزمون های حقوقی، کافی است. یه تیکه از کتاب «کیمیایاگر» نوشته پائولو کوئیلو رو براتون می آرم: «وقتی با تمام وجود و از درون، چیزی را می خواهید تمام کائنات دست در دست هم می دهند تا خواسته شما را اجابت کنند. آرزوها زبان خداوند هستند، در این جهان حقیقتی بزرگ وجود دارد، هر کس که باشی یا هر عملی که از تو سر می زند و وقتی چیزی را از ته قلبت بخواهی آنگاه این خواسته تو از وجود این جهان سرچشمه می گیرد و تو مأمور انجام آن می شوی» خواستم بگویم که اگر این جزوه به دست شما رسیده، حکمتی در آن است!

حیرت‌انگیزی که دنبالش بودید این جزوه است!

درس حقوق جزا با این که از جرم، جنایت و مجازات بحث می‌شه اما جذابیت‌های خاص خودش داره و از شیرین‌ترین درس‌های حقوق و البته از مهم‌ترین دروس در همه آزمون‌های حقوقی وکالت، ارشد و قضاوته! در این جزوه از ورود به مباحث حاشیه‌ای و بعضاً زائد پرهیز شده و فقط به نکات و مباحث اصلی و مهم پرداخته شده. به طوری که با خوندن این جزوه مطالب حقوق جزا به صورت مُدَوْن در ذهن شما شکل می‌گیره. مطالعه‌ی این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و علی‌الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون‌های تخصصی حقوقی مانند آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، قضاوت، توصیه می‌شود. ضمناً باید بگم: ده‌ها جزوه سَبُک و روانِ حقوقی که به طور شگفت‌انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می‌دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتتم (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتیاد پیدا می‌کنید.

ما در سایت فوق، کانال تلگرام و صفحه اینستاگراممون، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌گذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتمون بدونیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه‌برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می‌باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان‌آور است. نگارندگان، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه‌های فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند. به صورت مُدَوْن و منظم، کل حقوق جزا را آموزش خواهیم داد به گونه‌ای که بعد از مطالعه این جزوه احاطه کامل بر مباحث حقوق جزا داشته باشید. مفاهیم و مباحث حقوق جزا اگر بدون اسلوب مُدَوْن توضیح داده بشه فهم آن دشوار و غیرقابل تحمل است ما در این نوشته، مطالب حقوق جزا را به نحو طبقه‌بندی شده نگاشته‌ایم به صورتی که شما با خواندن این جزوه نیاز به خواندن هیچ کتاب و جزوه دیگری ندارید جزا رو به طور کامل می‌گم و شما رو معتاد به روش خودم می‌کنم؛ قول می‌دم! البته بگم که حقوق مدنی و آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و همینطور دروس دیگه رو هم با همین روش گفته‌ام.

در آخر، باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل‌های جدید و آخرین تغییرات قوانین و تست‌های آزمون‌های هر سال، به روز می‌شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ‌شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاه‌هاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می‌تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.t.me/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید.

داستان من: امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین‌کننده جزوات آزمون‌های حقوقی. می‌خواهم داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسیم رو گرفتم خب اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل‌های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ به دوستی داشتم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می‌گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس‌ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اون‌ها رو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اوومدم توی یه خونه‌ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می‌خونم و دسترسی و امکان تهیه کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسه آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بخر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسِنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوه فلان اساتید رو می‌خواهم بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت بین پسر جون! اینجا به مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می‌ده اینجوری که مثلاً استاد به جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای میده به من که تکثیر کنم و بدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس‌های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می‌تونم خواهش کنم که همین جزوه‌ها رو به من بدین؟» گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «ببخشید، بفرمایید!» ادامه داد که «اون استاده که جزوه ۲۰۰ صفحه‌ای تایی رو در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کل کلید یا فرمول یا دستورالعمل قبولی رو بده به دست من که تکثیر شه!» ادامه داد که: «همون استاد به بچه‌ها سر کلاس جزوه هم می‌گه که بنویسن و جزوه دست‌نویس می‌شه مکمل این جزوه تایی و گفت جالب‌تر اینکه در همین جزوه تایپ‌شده هم ایراداتی وجود داره که سرکلاس به بچه‌ها می‌گه که اصلاحش کنن!» ادامه داد: «بعله اینجوریاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوونهایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو پیچوند! زنگ زدم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت پاشو بیا اینجا و از جزوات نت‌برداری کن، البته باز نگفت که بهت کپی‌ها رو می‌دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی‌خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصِر بودن» و «پیگیر بودن» اَصَن تو ذاتمه کوبیدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مُلا‌ها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت‌برداری کنم؛ بعد از اینکه کارم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگ دست راستم که کبود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می‌کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشتم و امکان حضور در این کلاس‌ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشتم مسلماً از پیشرفت باز می‌موند و البته نتیجه، این می‌شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم‌های مُستعد می‌شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می‌دونن و اون‌ها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم‌های مستعد مسؤولند؛ تو همین فکر بودم که یهو یه جمله از یکی از معلم‌هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اونهایی که نیاز به خدمت تو دارن تَبَرُّعاً خیر کنی جواب خوبی می‌گیری»، خلاصه به اون بزرگ‌بابا («خدا» رو می‌گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک‌دهم از زمانم رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سال بعدش، خبر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعدهم رو شروع می‌کنم الان نه سال از اون روز می‌گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون‌های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نه یک به ده؛ بلکه نه به ده مالم و وقتم رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال‌ها آدم‌هایی رو سرِ راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایه رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست‌های او را در کلیه امورم دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می‌خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه صدها مرتبه داندود می‌شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی‌نقص بودن اون‌ها صحبت می‌کنن؛ من تردید ندارم که مطالعه جزواتم برای موفقیت در آزمون‌ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می‌شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو داندود کنید و اگه به معجزه اون‌ها پی بردین اون‌ها رو به دوستان‌تون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی‌گرده!

تقدیم به تمام کسانی که تابه حال هیچ‌به‌آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به کنمان!

بزهکار

از نظر دکتر ملاکریمی: «بزهکار یا مجرم کسی است که مرتکب رفتار مجرمانه شده یا وارد عملیات اجرایی شده (شروع به جرم)، شده باشد؛ در اصطلاح حقوق جزا او را عامل یا مباشر جرم می‌گویند.»

اقسام بزهکار به اعتبار نقش

۱- عامل مادی ۲- عامل معنوی

عامل مادی: شخصی که مرتکب رفتار مجرمانه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌شود، «فاعل مادی» نام دارد.

- ۱. مباشر:** شخصی که مرتکب رفتار مجرمانه به صورت مستقیم می‌شود، «مباشر» نام دارد؛ به عبارت دیگر مباشر کسی است که رفتار مادی و حالت روانی او با توصیف قانونی مجرم مطابق است؛ مانند کسی که پنهانی مال دیگری را بریاید. به استناد ماده ۴۹۴ ق.م.ا که مقرر داشته است: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود» وقتی عمل مرتکب، علت تامه نتیجه مجرمانه و یا جزء اخیر علت تامه باشد، چنین کسی مباشر جرم است؛ مانند اینکه شخصی گلوله را به قلب شخص دیگری شلیک کرده و موجب مرگ او می‌شود.
- ۲. سبب:** شخصی که مرتکب رفتار مجرمانه به صورت غیرمستقیم یا با واسطه می‌شود، «سبب» نام دارد؛ به عبارت دیگر مسبب یعنی کسی که سبب جرم بوده یا اسباب جرم را فراهم کرده است؛ مانند کسی که پرنده دست‌آموزی را برای سرقت آموزش دهد و پرنده اموال را سرقت کند. به استناد ماده ۵۰۶ ق.م.ا که مقرر داشته است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.» با توجه به ماده فوق علت جنایت عمل مرتکب نیست؛ بلکه مرتکب برای ارتکاب، سبب‌سازی و تهیه مقدمات کرده است؛ در مثال این ماده علت جنایت، کندن چاه یعنی عمل مرتکب نیست؛ بلکه سقوط مجنی‌علیه در چاه و اصابت در تهِ چاه است.
- ۳. جمع سبب و مباشر:** جمع سبب و مباشر ۳ حالت دارد:

- * **اقوی بودن مباشر از سبب:** مباشر ضامن است. برای مثال یک بچه‌ای سنگی را به آدم بالغی می‌دهد و می‌گوید: «به شیشه بزن». بچه، سبب و آدم بالغ، مباشر است که اینجا مباشر قوی‌تر است «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است» (ماده ۵۲۶ ق.م.ا)
- * **تساوی سبب و مباشر:** هم سبب و هم مباشر به صورت مساوی ضامن هستند. برای مثال دو آدم عاقل و بالغ هستند یکی به دیگری می‌گوید: «تو آتش را روشن کن تا من هم مال الف را بیاورم و در آتش بیندازم». شخصی که آتش روشن می‌کند سبب و شخصی که مال را در آتش می‌اندازد مباشر است «چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند» (ماده ۵۲۶ ق.م.ا)
- * **اقوی بودن سبب از مباشر:** در این صورت فقط سبب ضامن است. برای مثال یک آدم بالغ سنگ را به یک صغیر غیرممیز یا دیوانه می‌دهد که در اینجا سبب قوی‌تر است. «در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است» (ماده ۵۲۶ ق.م.ا)

عامل معنوی: شخصی است که جرم با فکر و اندیشه او اما توسط شخص دیگری انجام می‌شود؛ به عبارت دیگر کسی است که با داشتن توانایی خواه در عمل و خواه به موجب قانون، مرتکب رفتار مجرمانه نمی‌شود (در عملیات اجرایی جرم مداخله نمی‌کند)، اما فرد دیگری با فکر عامل معنوی مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود. عامل معنوی نسبت به عامل مادی که بازوهای اجرایی جرم محسوب شده، مغز اندیشنده جرم محسوب می‌شود؛ مانند کسی که مقداری مواد مخدر را به طور پنهانی در چمدان یکی از مسافران بگذارد و از این طریق مواد را از مرز عبور دهد.

مجازات عامل معنوی

- ۱- مواردی که مجازات عامل معنوی تشدید می‌شود:** مانند ماده ۱۲۸ ق.ا که چنین مقرر داشته است: «هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد»
- ۲- مواردی که مجازات عامل معنوی تشدید نشده و تفاوتی میان عامل مادی و معنوی نیست:** مانند:

- جرم آدم‌ربایی موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس ... شخصا یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند» اگر توسط دیگری برباید فاعل معنوی است.
- جرم رها کردن طفل در محل خالی از سکنه ماده ۶۳۳ ق.م.ا تعزیرات: «هر گاه کسی شخصا یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید»
- جرائم مربوط به ضدعت و اخلاق عمومی موضوع ماده ۶۴۰ ق.م.ا تعزیرات، هر کس اشیایی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند شخصا یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند.
- جرم جعل موضوع ماده ۵۳۸ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس شخصاً یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یکسال یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»
- ماده ۵۷۸ ق.م.ا تعزیرات، اگر کسی برای آن که متهمی را مجبور به اقرار کند، امر به آزار و اذیت بدنی وی نماید یا دستور این کار را بدهد.
- ✓ به این نکته باید دقت شود که اگر اقدام عامل معنوی آنچنان باشد که عامل مادی را در حد وسیله تنزل دهد و عامل معنوی از عامل مادی برای رسیدن به هدف مجرمانه خود استفاده کرده باشد، دیگر عامل معنوی محسوب نشده و در حد «سبب» قابل برخورد کیفری مستقل می‌باشد. برای مثال شخص «الف» که با تهدید غیرقابل تحمل نسبت به شخص «ب» او را وادار سازد که اقدام به جعل سند کند، در این فرض اگر «ب» در نتیجه تهدید غیرقابل تحمل، مکروه محسوب شود، تهدیدکننده از طریق او به هدف مجرمانه خود رسیده، سبب اقوی از مباشر محسوب شده و مجازات می‌شود.
- ✓ همچنین باید دقت کرد که اگر اقدام شخصی در قالب تهدید، تطمیع، تشویق و مانند آنها برای وادار کردن دیگری جهت انجام رفتار مجرمانه باشد و مستقلاً فرد وادارکننده، واجد مجازات قانونی به عنوان عامل معنوی نباشد و در عین حال فرد وادارنده نیز «در حد وسیله تنزل نکرده باشد» بلکه متعاقب تهدید، ترغیب یا تشویق وادارکننده، خود عالماً و عامداً مرتکب رفتار مجرمانه شده باشد، او مباشر جرم است و فرد وادارکننده با لحاظ ماده ۱۲۶ ق.م.ا در «حد معاون» تنزل می‌یابد.

اقسام بزه‌کار		
فاعل مادی	مباشر	شخصی است که به صورت مستقیم مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود.
	سبب	شخصی است که به صورت غیرمستقیم مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود،
	جمع سبب و مباشر	اقوی بودن مباشر از سبب
		تساوی سبب و مباشر
		هم سبب و هم مباشر به صورت مساوی ضامن هستند.
	اقوی بودن سبب از مباشر	
		شخصی است که جرم با فکر و اندیشه او اما توسط شخص دیگری انجام می‌شود.
فاعل معنوی		

شرکت در جرم

شرکت در جرم از نظر دکتر ملاکریمی: «همکاری و مشارکت اشخاص متعدد در ارتکاب رفتار مجرمانه یا عملیات اجرایی جرم واحد، به نحوی که رفتار مجرمانه، مستند به رفتار هر یک از آنان باشد.»

شرایط تحقق شرکت در جرم

۱. مداخله حداقل ۲ نفر: هرچند تأثیر مداخله آنها مهم نیست.
۲. جرم ارتكابی باید قابلیت مشارکت داشته باشد: شرکت در جرم مختص جرائمی است که هم به تنهایی و هم با مشارکت چند نفر، قابل ارتکاب است؛ بنابراین شرکت در جرائمی که لزوماً از سوی یک نفر، تحقق می‌یابد (مانند ترک انفاق همسر، قذف، شرب خمر و ...) و

همین طور جرائمی که لزوماً از سوی دو یا چند نفر تحقق می‌یابد (مانند زنا، لواط، تبانی و ...) منتفی است و هریک از مرتکبین مباشر مستقل به شمار می‌روند.

۳. **علم و عمد شرکا نسبت به رفتار ارتكابی:** رفتار شریک جرم وقتی مستوجب کیفر است که او در زمان ارتکاب جرم از ماهیت رفتار مجرمانه خود، آگاهی و اطلاع داشته و در تحقق نتیجه مجرمانه علم و عمد داشته باشد؛ بنابراین اگر شخص «الف» در هنگام خارج کردن مال از حرز از شخص «ب» کمک بخواهد و شخص «ب» کمک کند، عمل او شرکت در جرم سرقت نیست.

۴. **مشارکت در عملیات اجرایی جرم:** شرط تحقق شرکت در جرم، مداخله همه شرکا در عملیات اجرایی می‌باشد، یعنی رفتار مجرمانه مستند به رفتار هریک از شرکا باشد.

۵. **مستند بودن رفتار مجرمانه به رفتار همه شرکاء:** یکی دیگر از شرایط تحقق شرکت در جرم، مستند بودن رفتار مجرمانه به رفتار همه شرکا است.

- صرف مستند بودن رفتار مجرمانه کفایت می‌کند، حتی اگر میان رفتار آنان تساوی وجود نداشته باشد؛ برای مثال اگر کسی یک ضربه و دیگری ده ضربه چاقو، به شخصی وارد کنند و آن فرد در نتیجه همه ضربات فوت کند، هر دو شرکای در قتل، محسوب می‌شوند
- منظور از «مستند بودن» وجود رابطه سببیت میان رفتار شرکای جرم و نتیجه حاصله است و اگر میان رفتار مرتکب و نتیجه حاصله، چنین رابطه‌ای وجود نداشته باشد، شرکت در جرم منتفی است؛ برای مثال اگر «الف» با چاقو ضربه‌ای به دست شخص «ب» وارد کند و «ج» با تفنگ به مغز شخص «ب» شلیک کند، قاتل همان نفر دوم است؛ زیرا مرگ صرفاً معلول رفتار «ج» بوده است.
- تقارن زمانی میان رفتار شرکاء لازم نیست؛ برای مثال ممکن است شخصی با چاقو، دیگری را مجروح ساخته و ساعاتی بعد، شخص دیگری با مشت و لگد به جان او بیفتد و آن فرد در نتیجه کلیه ضربات وارده فوت کند؛ در این فرض هر دو شخص شریک در جرم قتل عمد هستند، هرچند میان رفتارشان تقارن زمانی وجود نداشته باشد.

- تبانی در شرکت در جرم لازم نیست، به عبارت دیگر شرکت در جرم مشروط به تبانی و توافق پیشین شرکاء بر ارتکاب جرم خاص نیست؛ برای مثال «الف» ضربه چاقویی به «ب» وارد می‌کند «ج» هم که «الف» را نمی‌شناسد، ضربه چاقویی به «ب» وارد می‌کند که در نهایت «ب» در اثر عمل «الف» و «ج» به قتل می‌رسد. در اینجا بین «الف» و «ج» تبانی وجود ندارد، ولی عمل آنها شرکت در جرم عمدی محسوب می‌شود.



در مورد شرکت در جرم نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ در شرکت در جرم وحدت قصد مجرمانه باید مقدم یا متقارن با عملیات مجرمانه باشد و وحدت قصد مجرمانه مؤخر، شرکت در جرم محقق نمی‌شود؛ برای مثال اگر «الف» پس از سرقت از «ب» تقاضای اموال مسروقه را نماید و شخص «ب» با علم به مسروقه بودن اموال این امر را بپذیرد، شریک در سرقت نیست؛ بلکه مشمول عنوان مجرمانه مستقل، «جرم اخفای اموال مسروقه» خواهد بود.

- ✓ شرکت در جرم، در جرائم عمدی و غیرعمدی قابل تحقق است. مثل تقصیر مشترک کارگران هنگام پی‌کنی در رعایت اصول ایمنی و در نتیجه ریزش دیوار و مرگ یکی از کارکنان.
- ✓ شرکت در جرم، در جرائم مُرگَب قابل تحقق است، به این صورت که امکان دارد هر یک از اجزاء تشکیل‌دهنده جرم مُرگَب را یکی از شرکای جرم انجام داده باشد.
- ✓ شرکت در جرم ناشی از ترک فعل، قابل تحقق است؛ برای مثال دو مأموری که وظیفه مراقبت از متهمی را بر عهده دارند و در انجام وظیفه خود سستی کنند و بر اثر آن متهم فرار کند هر دوی آنها به عنوان شریک در جرم قابل مجازات هستند. همچنین ممکن است رفتار یکی از شرکا در قالب فعل و رفتار شریک دیگر، در قالب ترک فعل باشد، برای مثال در فرضی که شخصی به قصد کشتن بیمار، کپسول اکسیژن او را ببندد و پرستار نیز علی‌رغم آگاهی از این مسأله به عمد، هیچ اقدامی برای نجات بیمار انجام ندهد، هر دو شرکای در قتل عمدی محسوب می‌شوند.
- ✓ شرکت در جرم هم به مباشرت و هم به تسبیب قابل تحقق است؛ به استناد قسمت اخیر ماده ۵۳۵ ق.م.ا، در فرضی که چند سبب غیرمجاز، قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند، شرکای در جرم محسوب می‌شوند.
- ✓ شرکت در جرم در شروع به جرم قابل تحقق است؛ برای مثال چند نفر برای سرقت وارد خانه‌ای شوند، اما حین جمع کردن اموال برای خارج کردن دستگیر شوند، به مجازات شرکت در شروع به سرقت محکوم می‌شوند.
- ✓ رفتار مجرمانه می‌تواند از جانب یکی از شرکا عمدی و از جانب شریک دیگر غیرعمدی باشد؛ در این خصوص ماده ۳۶۹ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «قتل یا هر جنایت دیگر، می‌تواند نسبت به هر یک از شرکا حسب مورد عمدی، شبه عمدی یا خطای محض باشد»
- ✓ در صورتی که ادعا شود جرم در فرضی که شریک مداخله نمی‌کرد، به تنهایی قابل ارتکاب بود، شرکت در جرم منتفی نیست و همچنان فرد شریک در جرم محسوب خواهد شد.
- ✓ مسؤولیت کیفری شریک در جرم کاملاً شخصی است و به هیچ نحو به مسؤولیت کیفری سایر شرکا ربطی ندارد.
- ✓ مجازاتی که علیه یکی از شرکای جرم اعمال می‌شود، کاملاً مستقل از کیفری است که علیه سایر شرکای وی قابل اعمال است؛ به عبارت دیگر کیفیات مخففه یا مشدده مجازات نسبت به هر یک از شرکا جداگانه در نظر گرفته می‌شود و در مجازات شرکای دیگر هیچ گونه تأثیری ندارد.

مجازات شریک در جرم

ماده ۱۲۵ ق.م.ا: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

تبصره- اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.»

مجازات شرکت در جرائم تعزیری: با توجه به ماده فوق مجازات شرکت در جرائم تعزیری، «مجازات فاعل مستقل (مباشر آن جرم است)؛ به عبارت دیگر هر یک از شرکاء به همان کیفری که شریک دیگر محکوم شده است، محکوم می‌گردد و برای مثال اگر دو نفر با مشارکت یکدیگر، مرتکب کلاهبرداری شوند، هر یک از آنان به طور جداگانه به مجازات جرم کلاهبرداری محکوم خواهند شد.

مجازات شرکت در جرائم حدی: همان طور که پیشتر بیان شد در اکثر جرائم حدی شرکت در جرم منتفی است، چون بعضی از این جرائم لزوماً از سوی یک نفر محقق می‌شود مانند شرب خمر، قذف، سب‌النبی ... و بعضی دیگر، مستلزم مداخله حداقل دو نفر است مانند لواط، زنا، تفخیز و مساحقه؛ در حالی که شرکت در جرم فقط در جرائمی قابل تصور است که ارتکاب آنها هم از سوی چند و هم به تنهایی ممکن است؛ بنابراین شرکت در جرائم حدی فقط در جرائم حدی «سرقه، محاربه، افساد فی‌الأرض و بَغی» قابل تصور است. قانونگذار فقط در مورد سرقت حدی در ماده ۲۷۵ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «هرگاه دو یا چند نفر به طور مشترک مالی را برابیند باید سهم جداگانه هر کدام از آنها به حد نصاب برسد» بنابراین اگر یکی از شرکای سرقت به اندازه نصاب (معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک) سرقت کند و میزان مال سرقت‌شده

توسط دیگری به این میزان نرسد، حد سرقت فقط در مورد نفر اول اجرا می‌شود و نفر دوم به مجازات سرقت تعزیری محکوم می‌شود. اما در ۳ جرم دیگر محاربه، افساد فی الارض و بغی از مجازات شریک، در قانون سخنی ذکر نشده است؛ همان طور که بیان شد، هر شریک خود به تنهایی مباشر آن جرم محسوب می‌شود و بنابراین به نظر می‌رسد در این موارد هم می‌توان، مجازات فاعل مستقل را برای هر یک از شرکای جرم در نظر گرفت.

مجازات شرکت در جرائم مستوجب قصاص: در قانون مجازات، به مجازات شرکت در کلیه جنایات عمدی (اعم از جنایت بر نفس، اعضا یا منافع) اشاره شده و برای هر یک از شرکا، مجازات قصاص در نظر گرفته شده است و مجنی‌علیه یا اولیای دم می‌توانند پس از پرداخت سهم دیه هر یک از شرکا اقدام به قصاص نمایند. ماده ۳۷۳ ق.م.ا: «در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی‌علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازند و یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدید آمده را پیش از قصاص، به قصاص‌شوندگان بپردازد. تبصره - اگر مجنی‌علیه یا ولی دم، خواهان قصاص برخی از شرکا باشد و از حق خود نسبت به برخی دیگر مجانی گذشت کند یا با آنان مصالحه نماید، در صورتی که دیه قصاص‌شوندگان بیش از سهم جنایت‌شان باشد، باید پیش از قصاص، مازاد دیه آنان را به قصاص‌شوندگان بپردازد» از ماده مذکور چنین استنباط می‌شود که:

- ✓ حکم اولی و اصلی جنایت، قصاص است که حق مجنی‌علیه یا اولیای دم محسوب می‌شود.
- ✓ مجنی‌علیه یا ولی دم می‌تواند نسبت به سهم هر یک مطالبه دیه کند، در این صورت قصاص ساقط می‌شود.
- ✓ اگر مجنی‌علیه یا ولی دم بخواهد از همه شرکاء قصاص کند، باید دیه مازاد بر جنایت را بپردازد.
- ✓ مجنی‌علیه یا ولی دم می‌تواند از بعضی شرکا قصاص کند، ولی در مواردی باید دیه مازاد بر جنایت آنها را بپردازد.
- ✓ مجنی‌علیه یا ولی دم می‌تواند از بعضی از شرکاء نسبت به سهم‌شان دیه بگیرد و یا نهایتاً برخی و یا همه آنها را عفو کند.
- ✓ اگر مجنی‌علیه یا ولی دم بخواهد بعضی از شرکا را قصاص کند، هرگاه دیه قصاص‌شوندگان بیش از سهم جنایت‌شان باشد، باید مازاد دیه قصاص‌شوندگان را پیش از قصاص بپردازد.

مجازات شرکت در جرائم مستوجب دیه: دیه مجازات جنایات غیرعمدی است که حسب مورد از سوی مرتکب یا عاقله او پرداخت می‌شود. مطابق ماده ۴۵۳ ق.م.ا: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هریک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است» قانونگذار در مورد دیه، مجازات فاعل مستقل را برای شرکای جرم در نظر نگرفته است؛ و مسؤولیت شرکا در پرداخت دیه به تساوی است (نه به تضامن) برای مثال در فرضی که شرکای در جرم سه نفر باشند، مجنی‌علیه یا اولیای دم از هر یک از آنان می‌توانند، یک سوم دیه کامل را دریافت کند.

مجازات شرکت در جرم (ماده ۱۲۵ ق.م.ا)	
جرائم تعزیری	مجازات فاعل مستقل مباشر آن جرم است.
جرائم حدی	در اکثر جرائم حدی شرکت در جرم منتفی است. در جرائم سرقت حدی (در صورتی که سهم هر یک از شرکا به حد نصاب برسد (ماده ۲۷۵)) محاربه، افساد فی الارض و بغی مجازات فاعل مستقل مباشر آن جرم است.
جرائم مستوجب قصاص	در کلیه جنایات عمدی (اعم از جنایت بر نفس، اعضا یا منافع) برای هر یک از شرکا، مجازات قصاص در نظر گرفته شده است و مجنی‌علیه یا اولیای دم می‌توانند پس از پرداخت سهم دیه هر یک از شرکا اقدام به قصاص نمایند. (ماده ۳۷۳ ق.م.ا)
جرائم مستوجب دیه	حسب مورد هریک از شرکا یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است (ماده ۴۵۳ ق.م.ا)

معاونت در جرم

معاونت در جرم از نظر دکتر ملاکریمی: «رفتاری است که شامل سبب انگیزه ارتکاب جرم برای مباشر یا فراهم کردن عملیات مقدماتی یا تسهیل وقوع جرم می‌باشد»

معاون جرم از نظر دکتر ملاکریمی: «شخصی است که در عملیات اجرایی جرم دخالتی ندارد اما قصد مجرمانه دارد و قصد او از طریق مباشر یا مُسَبِّب جرم عملی می‌شود»

مصادیق حصری معاونت در جرم

- ۱. ترغیب به ارتکاب جرم:** اگر کسی میل و آرزویی در دیگری ایجاد کند که مباشر را به ارتکاب جرم مصمم کند، معاون جرم محسوب می‌شود.
- ۲. تهدید به ارتکاب جرم:** اگر کسی دیگری را از طریق تهدید وادار به ارتکاب جرم کند معاون جرم محسوب می‌شود، وجود تهدید مؤثر، امری نسبی است و تحقق تهدید مشروط به وجود شرایط و اوضاع و احوال تهدیدکننده و تهدیدشونده دارد. در ضمن تهدید باید نامشروع باشد.
 - تهدیدی که عادتاً قابل تحمل نباشد، اگر به حدی برسد که اراده را از فاعل سلب کند، اجبار نامیده می‌شود؛ در این صورت مسؤولیت متوجه فاعل نیست و اجبارکننده مسؤول است.
 - مجرد خوف از کسی یا چیزی، تهدید به شمار نمی‌آید، بلکه ترس مباشر باید از عمل تهدیدآمیز معاون سرچشمه گرفته و مؤثر باشد.
 - اگر در قالب تهدید، از موارد رفع مسؤولیت کیفری و معافیت از مجازات است.
- ۳. تطمیع به ارتکاب جرم:** اگر کسی دیگری را با دادن وعده یا امتیاز مالی و یا قول به تحصیل مقام و منزلت اجتماعی در ارتکاب جرم قاطع گرداند، معاون جرم محسوب می‌شود.
 - وعده پرداخت وجه، باید قبل از ارتکاب عمل باشد و اهمیتی ندارد که معاون پس از ارتکاب جرم، به وعده خود وفا کرده یا پس از وقوع جرم از قول خود برگشته باشد.
- ۴. تحریک به ارتکاب جرم:** اگر کسی دیگری را وادار به ارتکاب جرم به هر دستاویزی، خواه با مال، وعده و یا فریب و خواه با تشویق، ترغیب و به طور کلی تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم مانند تهییج حس کینه و انتقام‌جویی کند، معاون جرم محسوب می‌شود. در حقوق ایران تحریک شامل هر نوع عملی است که مباشر مادی جرم را مصمم به ارتکاب جرم نماید محدودیتی نسبت به نوع تحریک نیست.
- ۵. با دسیسه یا فریب موجب وقوع جرم گردد:** دسیسه و فریب مجموعه اقدامات خدعه‌آمیزی است که مقدمه ارتکاب جرم به شمار می‌رود و در مباشر مؤثر است.
 - گاه قانونگذار مترادف کلمات دسیسه یا فریب لفظ «اغوا» به معنی «از راه بردن»، «گمراه کردن» به کار برده است؛ مانند اغوای مردم به قصد برهم زدن امنیت و جنگ و کشتار با یکدیگر.
- ۶. با سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد:** سوء استفاده از قدرت به معنی بهره‌گیری ناروا از مقام و موقعیت اجتماعی است. این موقعیت ممکن است به واسطه شغل و سمت دولتی فراهم شود و یا محصول روابط خاص اجتماعی مانند رابطه پدر و فرزند باشد. سوءاستفاده از قدرت بیش از آنکه رفتار خاصی باشد، نفوذ معنوی بر دیگری است.
- ۷. وسایل ارتکاب جرم را بسازد:** اگر کسی با علم از کاربرد وسیله‌ای برای ارتکاب جرم آن را ساخته و پرداخته است به مباشر کمک کند، معاون در جرم محسوب می‌شود.
 - اگر وسایل ارتکاب جرم با احراز تمامی شرایط، وسط معاون جرم تهیه شده، ولی مباشر جرم به جای استفاده از وسایل مزبور از وسایلی که خودش تهیه کرده، استفاده کند، در چنین موردی چون معاونت در جرم منتفی است.
- ۸. وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند:** اگر کسی با آگاهی وسایل ارتکاب جرم را در اختیار مباشر قرار دهد تا با آن وسایل جرم مرتکب شود، معاون در جرم محسوب می‌شود.
- ۹. طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد:** اگر کسی با علم به قصد مجرمانه شخص دیگر، راه و روش ارتکاب جرم را با راهنمایی، آموزش، دلالت و به هر نحو ممکن به او نشان دهد چنانکه او را در وصول به قصد مجرمانه‌اش کمک کند، معاون در جرم محسوب می‌شود.

- ارائه راه و روش ارتکاب جرم، منحصر به راهنمایی، آموزش و دلالت نیست. اگر شخصی، دیگری را از نارسایی و دشواری شیوه‌ای که او در ارتکاب جرم انتخاب کرده است باخبر کند، به نحوی که راه را بر او هموار نماید، معاونت در جرم محقق است
۱۰. وقوع جرم را تسهیل کند: اگر کسی با علم و آگاهی، وقوع جرم را با تأثیر بر ارتکاب یا با برداشتن موانع آن ممکن گرداند، معاون در جرم محسوب می‌شود.



✓ برخی از مصادیق معاونت، جرم مستقل هستند و حتی اگر جرم اصلی محقق نشود، باز مرتکب به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد؛ این موارد چنانچه جرم اصلی، محقق شود، رفتار شخص مشمول تعدد معنوی خواهد بود، برای مثال در فرضی که قتل عمدی در نتیجه تهدید دیگری واقع شده باشد، رفتار تهدیدکننده، هم مباشرت در جرم تهدید است و هم معاونت در قتل عمدی که در این صورت، دادگاه با توجه به ماده ۱۳۱ ق.م.ا مرتکب را به مجازات شدیدتر، یعنی معاونت در قتل عمدی محکوم خواهد کرد. در جدول زیر برخی مصادیق معاونت که جرم مستقل محسوب می‌شوند، ذکر کرده‌ایم:

برخی مصادیق معاونت که جرم مستقل محسوب شده‌اند	
ترغیب	۱- بند «ب» ماده ۶۳۹ ق.م.ا تعزیرات: کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. ۲- بند «د» ماده ۶۴۰ ق.م.ا تعزیرات: هر کس برای تشویق به معامله (نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید) یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل به دست آوردن آن را معرفی نماید. ۳- بند «ج» ماده ۲۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: هر نظامی که سایر افراد را به الحاق به دشمنان یا محارب‌ان و مفسدان اغوا و تشویق کند یا عملاً وسایل الحاق آنان را فراهم آورد.
تهدید	۱- ماده ۶۱۷ ق.م.ا تعزیرات: هر کس چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر را وسیله تهدید قرار دهد. ۲- ماده ۶۶۸ ق.م.ا تعزیرات: هر کس با تهدید دیگری او را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید. ۳- ماده ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات: هر کسی دیگری را به هر نحو به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او تهدید نماید.
تطمیع	۱- ماده ۸۸ قانون شهرداری: تطمیع در انتخابات شهرداری‌ها ۲- بند ۳ ماده ۶۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی: امور ذیل جرم محسوب می‌شود: ۳- تهدید یا تطمیع در امر انتخابات.
تحریک	۱- ماده ۵۱۲ ق.م.ا تعزیرات: هر کس مردم را به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند. ۲- ماده ۲۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح: هر نظامی که نظامیان را تحریک به فرار از مقابل دشمن نماید.
دسیسه یا فریب	بندهای ۱ و ۳ ماده واحده قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی: ۱- کسانی که با اجبار یا ارباب و تهدید یا اعمال خدعه و نیرنگ هواپیمای آماده برای پرواز یا در حال پرواز را در اختیار بگیرند یا به نحوی از اختیار مسئولین خارج ساخته و موجب تغییر مسیر یا مقصد هواپیما شوند یا در نقطه‌ای غیر از مقصد هواپیما را مجبور به فرود نمایند. ۲- کسانی که با اجبار یا ارباب و تهدید یا خدعه و نیرنگ در فرودگاه‌ها یا تأسیسات آن یا ایستگاه‌های ناوبری هوایی اخلال کنند.
ساختن وسایل ارتکاب جرم	ماده ۶۶۴ ق.م.ا تعزیرات: هر کس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد.
ارائه طریق ارتکاب جرم	ماده ۶۲۳ ق.م.ا تعزیرات: اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد.
تسهیل وقوع جرم	ماده ۵۵۴ ق.م.ا تعزیرات: هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند

شرایط تحقق معاونت در جرم

۱. **جرم بودن رفتار مباشر:** رفتار مباشر باید جرم باشد تا معاونت در جرم محقق شود؛ بنابراین اگر رفتار مباشر جرم نباشد، عمل معاون نیز جرم نبوده و قابل مجازات نیست؛ لذا وقتی خودکشی جرم نیست، معاونت در خودکشی نیز جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست؛ مانند اینکه شخص «الف» سم تهیه کرده و در اختیار شخص «ب» که قصد خودکشی دارد قرار دهد؛ و شخص «ب» سم را خورده و خودکشی کند؛ در این حالت رفتار شخص «الف» عنوان معاونت در جرم ندارد؛ چون خودکشی جرم نیست؛ البته قانونگذار در بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای چنین بیان داشته است: «چنانچه افراد را به ارتکاب خودکشی ... تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس تعزیری درجه شش یا جزای نقدی درجه هفت یا هر دو مجازات محکوم می‌شود.» بنابراین چون معاونت در جرم، جرم است؛ پس باید خودکشی هم جرم باشد تا معاونت در آن مصداق داشته باشد؛ در غیر این صورت

مصادق ندارد؛ اما طبق قانون جرائم رایانه‌ای مباشرت در تحریک به خودکشی جرم است که خود جرمی مستقل است نه معاونت در خودکشی.

همچنین در مواردی که علل مواجهه، رفتار مباشر را از جرم بودن خارج می‌کند، معاون این فرد هم قابل مجازات نیست؛ زیرا رفتار ارتكابی جرم نیست که معاون آن قابل مجازات باشد.

۲. **تقدم یا تقارن زمانی عمل معاون با عمل مباشر:** برای تحقق معاونت در جرم، باید عمل معاون قبل از مباشر انجام شود و یا حداقل اینکه عمل معاون همزمان با وقوع جرم باشد؛ در غیر این صورت، کمک به مرتکب پس از وقوع جرم، معاونت در جرم محسوب نمی‌شود؛ بنابراین مخفی کردن اموال مسروقه (ماده ۶۶۲ ق.م.ا تعزیرات)، مخفی کردن جسد مقتول (ماده ۶۳۶ ق.م.ا تعزیرات)، مخفی کردن یا فراری دادن متهم (ماده ۵۵۳ ق.م.ا تعزیرات) هیچ یک معاونت در جرم به شمار نمی‌رود و هر یک دارای وصف مجرمانه خاصی است. تنها مورد استثنا که انجام عمل پس از وقوع جرم، معاونت می‌باشد، در ماده ۱ قانون راجع به انتقال مال غیر مقرر شده است: «اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال‌گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون مجرم محسوب خواهد شد»

۳. وحدت قصد مجرمانه بین معاون و مباشر:

✓ معاون باید دارای قصد مجرمانه باشد، بنابراین اگر شخصی اسلحه شکاری خود را به شخص دیگری بدهد تا شکار کند، اما او با آن اسلحه مرتکب قتل شود، معاونت در جرم قتل منتفی است.

✓ معاون و مباشر قصد ارتکاب یک جرم واحد داشته باشند؛ مثلاً اگر مباشر می‌خواهد مرتکب جرم قتل شود، معاون هم به این عقیده او را یاری کرده باشد؛ در غیر این صورت نمی‌توان او را به عنوان معاون در جرم شناخت. مثلاً شخص «الف» شخص «ب» را ترغیب به کلاهبرداری نماید؛ اما شخص «ب» مرتکب سرقت شود، به دلیل عدم قصد مجرمانه بین معاون و مباشر معاونت منتفی است.

✓ منظور از وحدت قصد؛ یعنی تطابق قصد و نه توافق قصد؛ یعنی اگر بعد از وحدت قصد بین معاون و مباشر، مباشر از وحدت قصد عدول کند و جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده انجام دهد؛ چون از تطابق قصد خارج شده جرم شدیدتر به معاون قابل انتساب نیست و معاون صرفاً در محدوده وحدت قصد (یعنی جرم خفیف‌تر) قابل مجازات می‌باشد. برای مثال اگر وحدت قصد معاون و مباشر بر سرقت ساده بوده، سپس معاون سرقت مشدده مرتکب شود، معاون صرفاً به معاونت در سرقت ساده محکوم می‌شود.

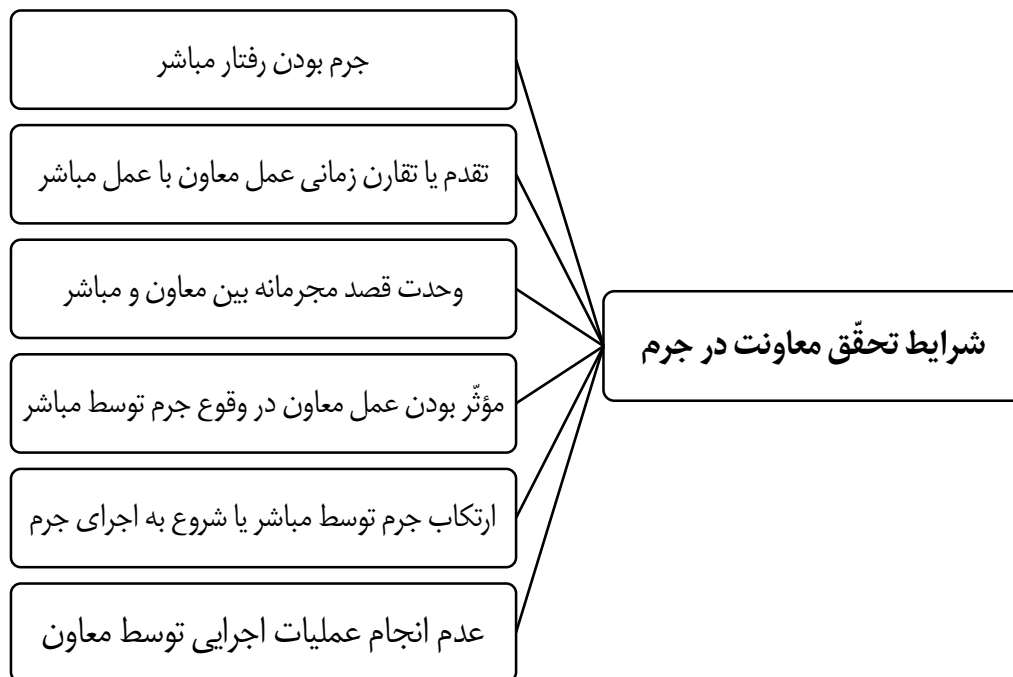
✓ منظور از وحدت قصد، شناخت قبلی معاون با مباشر یا توافق و تبانی قبلی معاون با مباشر نیست؛ برای مثال اگر «الف» در اثنای یک دعوا چاقو را در دست «ب» قرار دهد و «ب»، «ج» را مجروح کند؛ «الف» معاون در ایراد جرح می‌باشد، اگرچه هیچ شناخت و توافق قبلی بین معاون و مباشر وجود ندارد؛ اما رفتار ارتكابی اثبات‌کننده وحدت قصد است.

۴. **مؤثر بودن عمل معاون در وقوع جرم توسط مباشر:** به عبارت دیگر باید بین عمل معاون و مباشر رابطه علیت وجود داشته باشد. برای مثال شخص «الف» مقداری سم به شخص «ب» می‌دهد تا شخص «ج» را به قتل برساند؛ اما شخص «ب» با تفنگ شخص «ج» را به قتل می‌رساند. شخص «الف» مرتکب معاونت در قتل عمدی نشده است.

۵. **ارتکاب جرم توسط مباشر یا شروع به اجرای جرم:** عمل معاون با صرف انجام مصادیق آن، بدون ارتکاب جرم از جانب مباشر، جرم و قابل مجازات نیست؛ مگر در مواردی که رفتار معاون به عنوان جرمی خاص، جرم‌انگاری شده باشد؛ بنابراین مباشر باید رفتار مجرمانه را مرتکب شود یا اینکه لااقل شروع به اجرای آن جرم نماید. همچنین «شروع به جرم معاونت دارد؛ ولی معاونت شروع به جرم ندارد» به عبارت دیگر می‌توان گفت: معاونت در شروع به جرم قابل مجازات است ولی شروع به معاونت در جرم، مجازات ندارد. برای مثال شخص «الف» نقشه خانه‌ای را به شخص «ب» می‌دهد تا او مرتکب سرقت شود، شخص «ب» از انجام سرقت سر باز می‌زند، در اینجا شخص «الف» به جهت انصراف شخص «ب» قابل مجازات نیست؛ اما اگر شخص «ب» با کمک نقشه خانه‌ای که شخص «الف» در اختیار او قرار داده وارد خانه شود و در حال جمع آوری اموال توسط پلیس دستگیر شود، شخص «الف» نیز به مجازات معاونت در شروع به سرقت مجازات می‌شود.

۶. **عدم انجام عملیات اجرایی توسط معاون:** اگر معاون عملیات اجرایی را انجام دهد، دیگر معاون نبوده و مباشر یا شریک در جرم

محسوب می‌شود؛ برای مثال اگر «الف» قصد خودکشی داشته باشد و از «ب» بخواهد که شیرگاز را باز کند و یا در حالت حلق آویز صندلی را از زیرپای وی به بیرون پرت کند تا زیرپایش خالی شود، اگرچه در ظاهر معاونت در خودکشی است؛ اما از آنجا که رفتارهای «ب» اقدام‌های سالب حیات می‌باشد؛ یعنی «ب» وارد عملیات اجرایی قتل شده است «ب» مباشر در قتل عمد محسوب می‌شود؛ زیرا هیچگاه تسهیل کردن معاون، نباید به گونه‌ای باشد که وارد عملیات اجرایی شود؛ بنابراین در اینجا معاونت در خودکشی منتفی است و عمل شخص «الف» مباشرت در قتل عمد است.



در مورد معاونت در جرم نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ تغییر شیوه جرم و تأثیر آن بر عنوان معاونت: در تحقق معاونت در جرم، تغییر شیوه ارتکاب جرم تأثیری در معاونت نداشته، حتی اگر مباشر به شیوه دیگری جرم را انجام دهد؛ همین که در اصل جرم وحدت قصد داشته‌اند وی معاون در آن جرم محسوب می‌شود؛ لذا تغییر شیوه ارتکاب جرم موجب نفی معاونت در جرم نمی‌شود؛ لذا اصل بر عدم تأثیر تغییر شیوه جرم بر معاونت در جرم است.
- ✓ اگر عنصر مادی معاونت تهیة وسایل جرم باشد، ۲ شرط به صورت توأمان لازم است تا فرد معاون در آن جرم محسوب شود:
 ۱. معاون علم داشته باشد که از آن وسیله برای ارتکاب جرم استفاده خواهد شد.
 ۲. مباشر از آن وسیله در ارتکاب جرم استفاده کرده باشد؛ زیرا همواره رابطه علیت شرط تحقق معاونت در جرم است؛ یعنی باید آن وسیله داده‌شده، علت وقوع آن جرم و مؤثر در جرم مباشر باشد.
- ✓ معاونت در جرم اصولاً به صورت فعل واقع می‌شود، بنابراین ترک فعل و یا خودداری از انجام فعل را نمی‌توان به عنوان معاونت مجازات کرد؛ البته طبق نظر دکتر اردبیلی معاونت به صورت ترک فعل قابل تصوّر است و چنین نظر دارند که: اگر قانونگذار تکلیفی مبنی بر آگاه ساختن مقامات ذی‌صلاح برای کسانی که از جرائم در شرف وقوع مطلع‌اند تعیین کرده باشد، ترک این تکلیف نوعی تسهیل وقوع جرم و معاونت محسوب می‌شود. البته لازم به ذکر است در جرائمی که به صورت ترک فعل واقع می‌شوند، امکان تحقق معاونت در جرم وجود دارد؛ به طور مثال در جرم ترک انفاق که به صورت ترک فعل واقع می‌شود امکان تحقق ترک انفاق به صورت تهدید، ترغیب، تحریک به ترک انفاق می‌باشد.
- ✓ سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب یک جرم، معاونت در جرم نیست؛ به عبارت دیگر سکوتی را که از آن افادۀ تشویق و تحریک به ارتکاب جرم بشود را نمی‌توان معاونت در آن به شمار آورد، اما اداره حقوقی قوه قضاییه در نظری مخالف این نظر، چنین نظر داده است: «بردن مال متعلق به شرکت توسط شخص مورد نظر از مصادیق بارز بزه سرقت و عدم اقدام نگهبان در جلوگیری از بردن مال مزبور به شرط تحقق شرایط معاونت در جرم از جمله وحدت قصد از مصادیق معاونت در سرقت می‌باشد، مشروط بر اینکه مطابق شرح وظایف، نگهبان

مذبور مسؤولیت حفظ و حراست اموال شرکت را عهده‌دار بوده باشد.»

- ✓ تعدّد مصادیق معاونت، موجب تعدّد جرم نیست، برای مثال شخصی که علاوه بر تشویق دیگری به ارتکاب جرم، وسایل لازم را هم در اختیار او قرار داده است، برای یک بار به مجازات معاونت در جرم محکوم می‌شود و نمی‌توان به این جهت مجازات وی را تشدید نمود.
- ✓ با لحاظ اینکه، برای تحقق معاونت در جرم، وجود وحدت قصد مجرمانه بین معاون و مباشر شرط است به این نتیجه می‌رسیم که معاونت صرفاً در جرائم عمدی قابل تحقق است و در جرائم غیرعمدی معاونت در جرم مصداق ندارد؛ زیرا در جرائم غیرعمدی مباشر اصلاً قصد ارتکاب جرم ندارد.
- ✓ اگر مباشر جرم به دلیل وضعیت شخصی مثل علل رافع مسؤولیت از مجازات معاف شود، این علل تأثیری بر معاون وی نداشته و معاون به مجازات معاونت محکوم می‌شود.
- ✓ اگر مباشر مورد عفو خصوصی قرار گیرد، تأثیری در حق معاون ندارد.
- ✓ در قانون از بحث «معاونت در معاونت» سخنی به میان نیامده است، ولیکن به نظر می‌رسد، در صورت احراز وحدت قصد مجرمانه و سایر شرایط معاونت در جرم، امکان تحقق معاونت در معاونت نیز وجود دارد و مجازات آن همانند معاونت در جرم است؛ برای مثال در فرضی که (الف) با علم به نیت (ج) کلید خانه (د) را به (ب) بدهد تا (ب) درب خانه (د) را برای (ج) که قصد سرقت از منزل (د) دارد باز کند؛ بنابراین (الف) و (ب) معاون در سرقت و (ج) مباشر در سرقت می‌باشند.

اشکال مختلف توافق میان معاون و مباشر

۱. گاهی مباشر اصلی جرم عملی کاملاً متفاوت و مغایر با آنچه که معاون آن را می‌خواسته و اراده کرده مرتکب می‌شود. مثلاً فردی اسلحه‌اش را برای شکار غیرمجاز در اختیار فرد دیگری قرار می‌دهد اما وی به وسیله آن مرتکب قتل عمدی می‌گردد. در اینجا معاون نمی‌تواند تحت عنوان معاونت در جرم قتل تحت تعقیب قرار گیرد.
۲. گاهی معاون جرم به نحوی به مباشر اصلی یاری رسانده و او را در انجام جرم معاونت می‌نماید که منظور از معاونت، معاونت در ارتکاب انواع جرائم به طور کلی بوده است (به اصطلاح چک سفید امضاء داده است) مثلاً معاون فرد را تحریک و تشویق می‌کند که انتقام شخص وی را به هر صورت از قربانی بگیرد در اینجا فاعل اصلی جرم ممکن است جرائم متعددی مانند ضرب و جرح، قتل، تخریب اموال، سرقت اموال قربانی و جرائم دیگری را مرتکب شود. در اینجا معاون در جرائم یادشده محسوب می‌شود.
۳. گاهی قصد معاون از معاونت در ارتکاب جرم به صورت عادی بوده است ولی مباشر در حین ارتکاب جرم همان جرم با کیفیات مشدده‌ای می‌زند. مثلاً معاون نردبانی را برای ورود به منزل دیگری و سرقت از آن در اختیار مباشر جرم قرار می‌دهد ولی مباشر از این نردبان در شب برای سرقت استفاده می‌کند یا حین ورود با عنف و تهدید وارد منزل غیر می‌شود در اینجا فرض بر این است که معاون بایستی تمام نتایج این کار را پیش‌بینی کند بنابراین به لحاظ چنین بی‌احتیاطی نتایج مشدده جرم در انتظار وی نیز خواهد بود.
۴. گاهی مباشر همان جرم مورد نظر معاون را انجام می‌دهد ولی کیفیت اجرا و طریق ارتکاب جرم را تغییر می‌دهد. مثلاً معاون فردی را تحریک و تشویق می‌کند که فردی را با اسلحه به قتل برساند ولی این فرد قربانی را در آب غرق کرده و او را به قتل می‌رساند در این مورد تغییر روش‌های اجرای جرم از مسؤولیت معاون نمی‌کاهد وی هم چنان معاون در جرم تلقی می‌شود.
۵. گاهی مباشر در شرایط ارتكابی علاوه بر جرم تسهیل شده توسط معاون، جرم دیگری را نیز مرتکب می‌شود. مثلاً معاون رمز گاوصندوق شرکت را در اختیار مباشر قرار داده و مباشر پس از سرقت از گاوصندوق به خانمی هم که در شرکت تنها بوده تعرض می‌کند که در این صورت معاون فقط در خصوص معاونت در سرقت قابل تعقیب است و در خصوص تعرض مسؤولیتی ندارد و قابل تعقیب نمی‌باشد.
۶. هرگاه مرتکب اصلی جرم، جرمی خفیف‌تر از جرم مورد توافق را انجام دهد. مثلاً توافق شده که شخص مرتکب جرم سرقت مشدده گردد ولی مرتکب اصلی جرم سرقت ساده را مرتکب شده. شخص به معاونت در جرم سرقت ساده محکوم می‌گردد.

مجازات معاون در جرم

در مورد مجازات معاون در جرم ۳ حالت قابل تصوّر است:

حالت اول - در شرع مجازات معاون در جرم تعیین شده باشد

در شرع اشخاص زیر معاون در جرم محسوب شده و مجازات آنان چنین مشخص شده است:

مجازات اشخاص معاون در قتل عمد مطابق شرع

در کتب فقهی آمده است: «اگر کسی دیگری را بگیرد و فرد دومی او را به قتل برساند، در حالی که سومی آنها را دیده‌بانی کرده تا جنایت را انجام دهند، قاتل محکوم به قصاص، نگهدارنده محکوم به حبس ابد و چشمان دیده‌بان با میل سرخ شده یا نظیر آن، کور می‌گردد»

مُمسک: کسی که شخصی را نگه می‌دارد تا دیگری او را به قتل برساند، مجازات او در شرع حبس ابد است.

دیده‌بان: کسی که قاتل و ممسک را دیده‌بانی کرده تا جنایت را انجام دهند، مجازات او نابینا کردن چشمان او است.

مجازات اشخاص معاون در محاربه مطابق شرع

ردء: کسی است که در ضبط و حمل و نگهداری اموال کاروانیان به راهزنان کمک می‌کند.

طلیع: کسی است که مراقب کاروان‌ها بوده و رسیدن آن را به قطاع‌الطریق (راهزن) خبر می‌دهد.

در مورد ردء و طلیع در شرع مجازات تعزیری در نظر گرفته شده است.

حالت دوم - در قانون مجازات خاصی برای معاون در جرم تعیین شده باشد

✓ موارد ذیل به صورت مستقل **جرم‌انگاری** شده‌اند؛ ولی در **ماهیت معاونت** هستند که **مجازات معاونت** در این موارد به اعتبار خود

باقی می‌ماند:

* **معاونت در افساد فی الارض** موضوع ماده ۲۸۶ ق.م.ا: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا **معاونت** در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

* **دلالت زن حامله به استعمال دارو یا ادویه برای سقط جنین** موضوع ماده ۶۲۳ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس ... عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد»

* **فراهم کردن وسایل سقط جنین توسط طبیب یا ماما** موضوع ماده ۶۲۴ ق.م.ا تعزیرات: «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.»

* **مساعدت یا تسهیل یا تبانی و مواضعه در فرار** موضوع ماده ۵۴۹ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس که مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد: ...»

* **واسطه در جرم رشاء** موضوع ماده ۵۹۳ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می‌شود»

* **واسطه در جرم ربا** موضوع ماده ۵۹۵ ق.م.ا تعزیرات: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکمل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا بعنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند»

* **مساعدت در رهایی مجرم از محاکمه و محکومیت** موضوع ماده ۵۵۴ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل این که برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد»

- * اغوا و تشویق مردم به جنگ و کشتار یکدیگر موضوع ماده ۵۱۲ ق.م.ا تعزیرات: «هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.»
- * تشویق مردم به فساد و فحشا یا فراهم نمودن موجبات فساد و فحشا موضوع بند (ب) ماده ۶۳۹ ق.م.ا تعزیرات: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.»
- * تشویق به معامله اشیای منافی عفت و اخلاق عمومی موضوع ماده ۶۴۰ ق.م.ا تعزیرات: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از بیست و پنج (۲۵/۰۰۰/۰۰۰) تا صد (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: هر کس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق (نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا بطور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید) و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل به دست آوردن آن را معرفی نماید» (جزای نقدی مندرج در این ماده به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ هیات وزیران تعدیل شد)
- ✓ موارد ذیل حکم خاص مجازات معاون در جرم می‌باشد که به موجب ماده ۱۵ قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، **نسخ** شده است و طبق حکم عام ماده ۱۲۷ ق.م.ا، مجازات معاون در جرم تعیین می‌شود؛ ماده ۱۵ قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ چنین مقرر داشته است: «مصادیق خاص قانونی که در آنها برای .. معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است ... نسخ می‌گردد»
- * ماده ۵۸۴ ق.م.ا تعزیرات: «کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.»
- * تبصره ماده ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات: «در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود»
- * ماده ۷۱۰ ق.م.ا تعزیرات: «اشخاصی که در قمارخانه یا اماکن مُعد برای صرف مشروبات الکلی موضوع مواد (۷۰۱) و (۷۰۵) قبول خدمت کنند یا به نحوی از انحاء به دایرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می‌شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد.»
- * ماده ۴ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن: «مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود: الف - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛ ب - در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛ پ - در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.»
- * تبصره ۱ ماده واحده قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی: «معاونت در جرائم موضوع بندهای (۱) و (۲) مستوجب حداقل مجازات مقرر می‌باشد.»

حالت سوم - مجازات معاون طبق ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی

مجازات معاون در جرائم حدی:

- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، مجازات معاون حبس تعزیری درجه دو یا سه (حبس درجه دو: بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال - حبس درجه سه: بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال) خواهد بود. (بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا)
- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، مجازات معاون حبس تعزیری درجه پنج یا شش (حبس درجه پنج: بیش از ۲ تا ۵ سال - حبس درجه شش: بیش از ۶ ماه تا ۲ سال) خواهد بود. (بند ب ماده ۱۲۷ ق.م.ا)
- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است، مجازات معاون ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش خواهد بود. (بند پ ماده ۱۲۷ ق.م.ا)

مجازات معاون در جرائم تعزیری:

• در جرائم موجب تعزیر، مجازات معاون یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی است و نوع مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است (بند ت ماده ۱۲۷ ق.م.ا)؛ یعنی اگر مجازات مباشر حبس است، نوع مجازات معاون نیز حبس خواهد بود، اگر نوع مجازات مباشر جزای نقدی یا شلاق است مجازات معاون نیز جزای نقدی یا شلاق خواهد بود؛ مگر در مواردی که مجازات مباشر مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت باشد که در این صورت مجازات معاون به ترتیب، جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت می‌باشد. (تبصره ۱ ماده ۲۷ ق.م.ا)

نکته مهم: در فرض معاونت در جرم تعزیری درجه ۸، تعیین مجازات یک تا دو درجه پایین‌تر برای معاون ممکن نیست؛ زیرا به استناد ماده ۱۹ ق.م.ا تعزیرات ۸ درجه هستند و تعیین مجازاتی پایین‌تر از آن مجازات در قانون پیش‌بینی نشده است؛ در تعیین مجازات معاون در جرم تعزیری درجه ۸ دو نظر ارائه شده است:

۱. به دلیل عدم پیش‌بینی مجازات در این فرض در قانون و به جهت اصل قانونی بودن مجازات‌ها، مجازاتی قابل اعمال نیست.
۲. به استناد ماده ۶۹ ق.م.ا که مقرر داشته است: «مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند» لذا در تعیین مجازات معاونت در جرم تعزیری درجه ۸ باید به استناد ماده ۶۹ ق.م.ا مجازات جایگزین حبس تعیین شود.

مجازات معاونت در جرم قتل عمدی

۱. مجازات معاون در صورتی که مباشر (قاتل) قصاص شود

مجازات معاون در قتل عمدی در صورتی که قاتل قصاص شود، به استناد بند الف ماده ۱۲۷ ق.م.ا که چنین مقرر داشته است: «در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، (مجازات معاون) حبس تعزیری درجه دو یا سه می‌باشد» قابل ذکر است که حبس تعزیری درجه دو: بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال می‌باشد و حبس تعزیری درجه سه: بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال خواهد بود.

۲. مجازات معاون در صورتی که مباشر (قاتل) قصاص نشود

مجازات معاون در قتل عمدی در صورتی که قاتل به هر علتی قصاص نشود، به استناد تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا که چنین مقرر داشته است: «در صورتی که (مباشر) به هر علت قصاص ... نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم (مباشر)، مطابق بند (ت) این ماده اعمال می‌شود.» همچنین مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۷ ق.م.ا: «در مورد بند (ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است؛ بنابراین در فرض قتل عمدی که مباشر قصاص نشود، به استناد ماده ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات، مجازات مباشر ۳ تا ۱۰ سال حبس است. این مجازات جزء مجازات تعزیری درجه ۴ می‌باشد؛ با این وجود مجازات معاون که تا ۲ درجه پایین‌تر از جرم ارتكابی باید تعیین شود؛ یعنی مجازات معاون در صورت عدم قصاص مباشر (فاعل) حبس تعزیری درجه ۵ و یا ۶ خواهد بود. (حبس تعزیری درجه ۵ بیش از ۲ تا ۵ سال - حبس تعزیری درجه ۶ بیش از ۶ ماه تا ۲ سال است) در نتیجه به موجب ماده ۱۵ قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، تبصره ماده ۶۱۲ ق.م.ا تعزیرات نسخ شده است.

استفاده از فرد نابالغ در ارتكاب جرم یا معاونت در رفتار مجرمانه فرد نابالغ

هر گونه همکاری بزرگسال با طفل، از موجبات تشدید مجازات بزرگسال به شمار می‌رود، اعم از آن که بزرگسال طفل را وسیله ارتكاب جرم خود قرار دهد (مباشر معنوی) یا آنکه در جرم ارتكابی از سوی طفل، معاونت نماید؛ ماده ۱۲۸ ق.م.ا در این باره چنین مقرر داشته است: «هرکس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتكاب جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد. همچنین هرکس در رفتار مجرمانه فرد نابالغی معاونت کند به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود» البته استثنائاً در بعضی از جرائم قانونگذار برای بزرگسال مجازات مباشرت در جرم - نه حداکثر مجازات معاونت - در نظر گرفته است، برای مثال مطابق ماده ۳۵ قانون مبارزه با مواد مخدر الحاقی ۱۳۸۹: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتكاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک ونیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال

ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود» حکم ماده ۱۲۸ ق.م.ا ناظر به همکاری با صغار است و در مورد همراهی با مجانین برای ارتکاب جرم، به نظر می‌رسد از باب سبب اقوی از مباشر تمام مسؤولیت بر عهده بزرگسال باشد.

نکته: ماده ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.» هرچند مجرمیت معاون در گرو مجرمیت مباشر است؛ اما مجازات معاون متأثر از مجازات مباشر نیست؛ زیرا مجازات جنبه شخصی داشته و سقوط یا تخفیف مجازات مباشر، علی‌الاصول تأثیری در مجازات معاون نخواهد داشت، منظور از قانونگذار از «جهات» مذکور در ماده فوق اوصافی است که کاملاً شخصی است و فقط در مرتکب اصلی جرم جمع می‌باشد، مانند عذرهای معاف‌کننده، مصونیت‌ها، علل عدم قابلیت انتساب (جنون، اجبار) که موجب موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات می‌شود؛ اما در مواردی که به جهات عینی (مانند نسخ قانون، عفو عمومی، دفاع مشروع و ...) وصف مجرمانه از آن رفتار زائل شود، هیچ یک از شرکا یا معاونین قابل تعقیب یا مجازات نخواهند بود.

مجازات معاون در جرم (ماده ۱۲۷ ق.م.ا)			
مطابق شرع	معاون در قتل عمد	مُتَمَسِّک: حبس ابد	
		دیده‌بان: نابینا کردن چشمان او	
	معاون در محاربه	رِء	مجازات تعزیری مطابق شرع برای آنها در نظر گرفته شده است.
		طلیع	
مطابق مواد قانون مجازات	۱- مواردی که به صورت مستقل جرم‌انگاری شده‌اند؛ ولی در ماهیت معاونت هستند که مجازات معاونت در این موارد به اعتبار خود باقی می‌ماند.		
	۲- مواردی که حکم خاص مجازات معاون در جرم می‌باشد که به موجب ماده ۱۵ قانون مجازات کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، نسخ شده است و طبق حکم عام ماده ۱۲۷ ق.م.ا، <u>مجازات معاون در جرم تعیین می‌شود.</u>		
مطابق حکم عام ماده ۱۲۷ ق.م.ا	معاون در جرائم حدّی	در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، مجازات معاون حبس تعزیری درجه دو یا سه	
		در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، مجازات معاون حبس تعزیری درجه پنج یا شش	
		در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است، مجازات معاون ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش خواهد بود.	
	معاون در جرائم تعزیری	مجازات معاون یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی است و نوع مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است.	
	معاون در قتل عمد	قاتل قصاص بشود	حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳
		قاتل قصاص نشود	حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶

جرم توده‌ها

جرائمی که افراد به تنهایی قادر به انجام آن نباشند، ولی در ازدحام با تحریک و تشویق احساسات خفته خود قادر به انجام آن می‌شوند؛ مثل جرم، نهب و غارت و اتلاف جرم توده‌ها نامیده می‌شود.

سردستگی گروه‌های مجرمانه سازمان یافته

گروه‌های مجرمانه

«گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد» (تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا)

یکی از جلوه‌های همکاری مرتکبین در ارتکاب جرم، تشکیل باندهای مجرمانه است. رویه قانونگذاری در برخورد با گروه‌های مجرمانه مبتنی بر شدت عمل است؛ چرا که بالطبع ارتکاب جرم از سوی چند نفر و در قالب یک شبکه منسجم به مراتب خطرناک‌تر از جرمی است که یک نفر به تنهایی مرتکب آن می‌شود و از سوی دیگر، اشخاصی که به عنوان سردسته این گروه‌ها فعالیت می‌کنند، مستحق مجازات شدیدتری نسبت به سایر اعضای آن گروه خواهند بود، اعم از آن که خودشان هم در عملیات اجرایی نیز مشارکت نموده یا ننموده باشند.

سردستگی

«سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.» (تبصره ۲ ماده ۱۳۰ ق.م.ا)

سردستگی شامل موارد ذیل می‌شود:

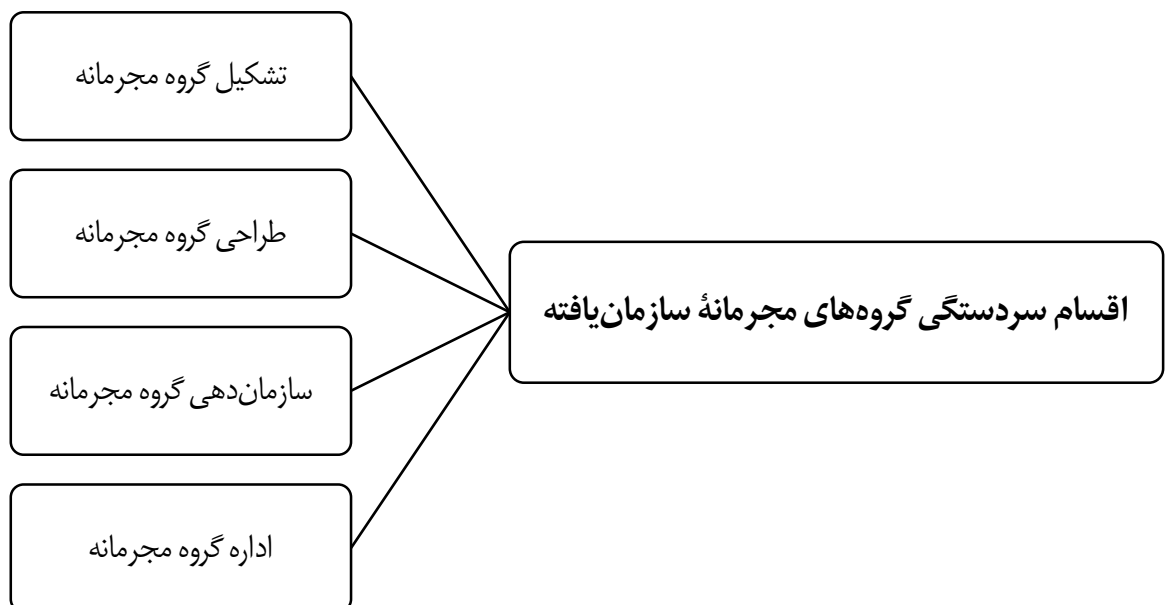
۱. تشکیل گروه مجرمانه
۲. طراحی گروه مجرمانه
۳. سازمان‌دهی گروه مجرمانه
۴. اداره گروه مجرمانه

مجازات سردستگی گروه‌های مجرمانه

«هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.» (ماده ۱۳۰ ق.م.ا) بنابراین مجازات سردستگی گروه‌های مجرمانه چنین است:

- * در کلیه جرائم موجبات تعزیر، حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی گروه.
- * در جرائم موجب حد، قصاص و دیه، حداکثر مجازات معاونت در آن جرم حسب مورد
- * در جرائم حدی محاربه و افساد فی الارض، اگر عنوان محارب یا مفسد فی الارض به سردسته گروه صدق کند، به مجازات محاربه یا افساد فی الارض حسب مورد محکوم می‌شود.
- ✓ سردستگی ماهیتاً یکی از مصادیق معاونت در جرم محسوب می‌شود، اما در مواردی که مرتکب علاوه بر سردستگی و مدیریت گروه، در عملیات اجرایی جرم نیز مداخله کند، رفتار او مشمول تعدد جرم است و به حداکثر مجازات جرم شدیدتر محکوم خواهد شد.
- ✓ اگر شخصی عضو گروه مجرمانه‌ای باشد ولی بعد از مدتی گروه مجرمانه را ترک کند، در صورت ارتکاب جرم جدید از سوی گروه، وی را نمی‌توان به مجازات آن جرم محکوم کرد؛ زیرا در زمان ارتکاب جرم جدید، زیرا رابطه عضویت با گروه مجرمانه قطع شده است.
- ✓ اگر جرم دیگری غیر از جرائمی که هدف گروه بوده است انجام شود ولی در راستای اهداف آن گروه نباشد در تعیین مجازات سردسته لحاظ نمی‌شود.
- ✓ شخصی اداره یک گروه مجرمانه را که اعضای آن مرتکب ده فقره قتل عمدی شده‌اند، بر عهده دارد، مجازات وی حداکثر مجازات معاونت در قتل عمدی است.
- ✓ مجازات سردستگی که در قوانین خاص به آنها اشاره شده است، از تاریخ تصویب قانون مجازات اسلامی مشمول حکم عام ماده ۱۳۰ ق.م.ا خواهد بود، مگر:

- حکم سردستگی، در موارد مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام (مانند سردستگی در اختلاس، ارتشاء یا کلاهبرداری شبکه‌ای موضوع ماده ۴ قانون تشدید تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری)
- قوانینی که پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تصویب رسیده‌اند، به آن اشاره شده است، برای مثال مطابق ماده واحده قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۹۶ در آن دسته از جرائمی که سابقاً برای آنها مجازات اعدام یا حبس ابد در نظر گرفته شده بود، کماکان در صورتی که مرتکب نقش سردسته را ایفا کند، مجازات اعدام به قوت خود باقی بوده و مرتکب به عنوان مفسد فی الارض به اعدام محکوم خواهد شد.
- ✓ در ماده فوق تنها به تشدید مجازات سردسته اشاره شده است و ظاهراً در مورد سایر اعضای گروه مجرمانه همان مجازات مباشر جرم در نظر گرفته شده است، با این وجود در بعضی از قوانین خاص مجازات سایر اعضای گروه نیز تشدید شده است، برای مثال مطابق تبصره ۴ ماده ۹ قانون اصلاح مبارزه با پول‌شویی ۱۳۹۷: «در صورتی که جرم پولشویی به صورت سازمان‌یافته ارتکاب یابد، موجب تشدید در مجازات به میزان یک درجه خواهد بود»
- ✓ گفتنی است با توجه به بند (ب) ماده ۴۷ ق.م.ا صدور قرار تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات در مورد اعضای گروه مجرمانه امکان‌پذیر نمی‌باشد.
- ✓ مطابق ماده ۷ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ اصلاحی ۱۳۹۷: «سردستگی، سازماندهی یا هدایت دو یا چند شخص در ارتکاب جرائم موضوع این قانون اعم از اینکه عمل آنان مباشرت یا معاونت در جرم باشد و همچنین ارتکاب جرائم مذکور به صورت سازمان‌یافته، از علل مشدده مجازات محسوب می‌شود و مرتکب مشمول ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی می‌باشد» همان گونه که ملاحظه می‌شود برخلاف تعریف مقرر در قانون مجازات اسلامی که سردستگی را مختص گروه‌های بیش از ۲ نفر (حداقل ۳ نفر) دانسته است، در مورد تأمین مالی تروریسم گروه مجرمانه شامل دو عضو هم می‌شود و ضرورتی به حضور اعضای بیشتر نیست.



شخصی بودن مسؤولیت کیفری

اصل بر این است که مسؤولیت کیفری شخصی است؛ یعنی فقط اشخاص حقیقی که مرتکب رفتار مجرمانه شوند، مسؤول هستند. استثنائات وارد بر این اصل ۲ مورد است:

۱. مسؤولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری: ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی
۲. مسؤولیت کیفری شخص حقوقی: ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری

مطابق اصل شخصی بودن مسئولیت، هر انسانی مسئول نتایج اعمال مجرمانه خویش است و هیچ کس را نمی‌توان بر رفتار مجرمانه‌ای که شخص دیگری مرتکب شده است، مسئول دانست؛ اما استثنائاً در مواردی شخصی غیر از فاعل جرم ممکن است مسئولیت مرتکب را به دوش کشد. هر کس که وظیفه حفظ و مراقبت و یا نظارت بر افعال دیگری را بر عهده داشته باشد و در ادای تکلیف خود سهل‌انگاری کند و به این سبب جرمی از ناحیه دیگری واقع شود، مسئول است، هر چند تقصیر خود مرتکب و یا شخص ثالث نیز در وقوع این جرم مؤثر باشد. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر، در ۲ حالت متصور است:

۱. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به موجب قانون

۲. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به موجب تقصیر در رابطه با نتیجه رفتار دیگری

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به موجب قانون

گاهی با وجود آن که شخص ثالث در ارتکاب جرم هیچ نقشی نداشته است، اما به حکم قانون مسئول قلمداد می‌شود و به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود، در این موارد مسئولیت شخص ثالث مفروض است و تقصیر یا عدم تقصیر او فاقد تأثیر است. برای مثال مطابق تبصره ۷ ماده ۹ قانون مطبوعات: «مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود» ضمان عاقله در پرداخت دیه نیز از دیگر نمونه‌های مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری محسوب می‌شود، به استناد ماده ۴۶۳ ق.م.ا: «در جنایت خطای محض در صورتی که جنایت با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله است ...»

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به موجب تقصیر در رابطه با نتیجه رفتار دیگری

در مواردی که به موجب قانون شخص ثالث عهده‌دار وظیفه نظارتی و مراقبتی بوده و در این زمینه تقصیر کرده باشد، مسئول جرمی است که در نتیجه تقصیر و عدم نظارت او از سوی شخص ثالث ارتکاب یافته است؛ مانند مربی تعلیم رانندگی که در حین آموزش به خواب رفته و در نتیجه عدم نظارت او بر رفتار شخص تحت تعلیم با دیگری تصادف کرده و منجر به مرگ او شود. یکی دیگر از مصادیق بارز در این زمینه، کوتاهی مدیران واحدهای صنفی در نظارت بر واحدهایی که تحت نظارت آنهاست؛ مثلاً آشپز یک رستوران به دلیل عدم نظارت کافی از سوی مدیر، در طبخ غذای مشتریان از محصولات فاسد استفاده نموده و موجب مرگ تعدادی از مشتریان شود، در اینجا علاوه بر مرتکب (آشپز) مدیر آن واحد صنفی نیز مسئول است و حسب مورد به پرداخت جریمه، توقیف فعالیت، ابطال پروانه و ... محکوم می‌شود. البته اگر مشخص شود که جرم صرفاً معلول رفتار کارکنان آن مجموعه بوده و مسئولان و کارفرمایان نظارت کافی را در این زمینه داشته‌اند، مسئولیتی متوجه آنان نخواهد بود؛ مطابق تبصره ۲ ماده ۹۵ قانون کار که چنین مقرر داشته است: «چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ماده (۸۵) این قانون برای حفاظت فنی و بهداشت کار وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند و کارگر با وجود آموزش‌های لازم و تذکرات قبلی بدون توجه به دستورالعمل و مقررات موجود از آنها استفاده ننماید کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت»

شرایط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار شخص دیگر

۱. رفتار دیگری جرم‌انگاری شده باشد.
۲. این جرم در ارتباط با مقرراتی باشد که مسئول عمل دیگری، شخصاً رعایت آنها را تعهد کرده است.
۳. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار شخص دیگر فقط در جرائم عمدی است.
۴. نیازی به اثبات تقصیر مسئول نیست، بلکه فرض تقصیر وجود داشته و البته خلاف این اماره توسط مسئول قابل اثبات است.

مسئولیت کیفری شخص حقوقی

در بسیاری از موارد، جرم صرفاً معلول رفتار یک انسان نیست، بلکه ناشی از تصمیمات یک سازمان یا شرکت که در قالب شخصیت حقوقی فعالیت می‌کنند است؛ مانند یک شرکت داروسازی که با تبلیغات گسترده و کذب، مردم را در خریدن داروهای درمان فوری کرونا فریفته و از این طریق، پول آنها را برده باشد یا یک شرکت ساختمانی که با وعده دروغین پول مردم را گرفته تا به آنها واحدهای آپارتمانی تحویل دهد، با وجودی که قصد

ساختن ساختمانی را ندارد، واضح است، در این موارد منطقی نیست که تنها مدیر یا مباشر شخص حقوقی به مجازات محکوم شده و شخص حقوقی همچنان به فعالیت خود ادامه دهد؛ از این رو قانونگذار در ماده ۱۴۳ ق.م.ا مسؤولیت کیفری شخص حقوقی را مورد پذیرش قرار داده است؛ مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، امری استثنائی و مستلزم جمع شرایط مقرر در این ماده است.

اشخاص حقوقی: اصطلاح اشخاص حقوقی در برابر اشخاص حقیقی، یعنی اشخاص طبیعی که دارندگان اصلی حقوق و تکالیف هستند به کار می‌رود. مقصود از آن گروه‌ها، جمعیت‌ها و انجمن‌هایی است با حقوق و تکالیف مشترک و متمایز از حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده‌اند. در واقع مفهوم شخصیت حقوقی تعبیری اعتباری از تأسیسی حقوقی است که به مرور زمان پدید آمده است.

ماده ۱۴۳ ق.م.ا: «در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای: «در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود:

الف - هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

ب - هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد.

ج - هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.

د - هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.

تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

تبصره ۲- مسؤولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص خصوصی فقط شخص حقیقی مسؤول خواهد بود.»

نماینده قانونی شخص حقوقی: کسی است که یا به موجب قانون و یا به موجب قرارداد اختیاراتی به او داده شده تا برای دیگری کار یا کارهایی را انجام دهد؛ مانند مدیر عامل، هیأت مدیره، شهردار، دبیرکل و یا وکیل شرکت که به نیابت از طرف شخص حقوقی تعهداتی برای ایجاد می‌نماید.

منافع: جمع منفعت در ماده ۱۴۳ ق.م.ا اعم از مادی و معنوی، احتمالی یا قطعی است؛ به عبارت دیگر منظور از منافع لزوماً منافع مستقیم و قطعی نبوده و منافع شامل منافع غیرمستقیم و احتمالی نیز می‌شود؛ برای مثال در فرضی که هیأت مدیره یک شرکت تجاری برای کاهش سود شرکت رقیب و افزایش سود خود، اسرار تجاری آن را به دست آورده و به طور غیرقانونی منتشر سازد، به مجازات مقرر در قانون محکوم خواهد شد.

شرایط تحقق مسؤولیت کیفری شخص حقوقی

۱. ارتکاب جرم از سوی نماینده قانونی شخص حقوقی

برای آن که شخص حقوقی از نظر کیفری مسؤول قلمداد شود، لازم است که جرم از سوی نماینده قانونی آن ارتکاب یافته باشد، مستنبط از مواد ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای و ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به نظر می‌رسد منظور از نماینده شخص حقوقی، همان «مدیر» شخص حقوقی باشد؛ یعنی کسی که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد؛ بنابراین در مواردی که سایر کارمندان شخص حقوقی برای حفظ منافع آن، مرتکب جرم می‌شوند، هیچ گونه مسؤولیت کیفری متوجه شخص حقوقی نخواهد بود، مگر آن که ارتکاب جرم از سوی کارمندان صرفاً به دستور شخص حقوقی یا عدم نظارت او بوده باشد که در این صورت نیز، شخص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود؛ برای مثال مطابق بند (ج) ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای «هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود» شخص حقوقی، از نظر کیفری مسؤول قلمداد می‌شود.

۲. ارتکاب جرم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی

مطابق ماده ۱۴۳ ق.م.ا شرط دیگر تحقق مسؤولیت کیفری شخص حقوقی این است که جرم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی

ارتکاب یابد، بنابراین در فرضی که نماینده شخص حقوقی، به نام شخص حقوقی و برای حفظ منافع شخصی خود دست به ارتکاب جرم بزند، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری است؛ زیرا جرم به نام شخص حقوقی، واقع شده ولو آنکه در راستای منافع شخص حقوقی نبوده باشد.

نکته مهم: قانونگذار در ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه‌ای، شرط تحقق مسئولیت کیفری شخص حقوقی در مورد جرائم رایانه‌ای؛ در صورتی است که جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود؛ یعنی برای مسؤول قلمداد نمودن اشخاص حقوقی در جرائم رایانه، لازم است که جرم «به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن» ارتکاب یافته باشد؛ بنابراین در مواردی که مدیر شخص حقوقی، به نام شخص حقوقی و در راستای منافع شخصی خود، اقدام به کلاهبرداری رایانه‌ای نموده باشد، شخص حقوقی از نظر کیفری مسؤول قلمداد نمی‌شود؛ زیرا هر دو شرط فوق با هم جمع نشده است.

در مورد مسئولیت کیفری شخص حقوقی نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ با توجه به تبصره ماده ۲۰ ق.م.ا. نهادهای دولتی و عمومی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، مسئولیت کیفری نخواهند داشت؛ در توضیح این تبصره باید خاطر نشان ساخت که فعالیت نهادهای مزبور با توجه به مواد ۸ و ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ در دو حوزه اعمال حاکمیت و تصدی‌گری صورت می‌پذیرد؛ از ظاهر تبصره ماده ۲۰ ق.م.ا. چنین برمی‌آید که این حکم شامل مواردی که این نهادها به تصدی‌گری می‌پردازند، نشده و فرض مسئولیت کیفری در این موارد امکان‌پذیر است، همچنین اعمال حاکمیت مانع مسئولیت مدنی نبوده و در صورتی که از تصمیم یا اقدام اشتباه نهادهای دولتی خسارتی به بار آید، موظف به جبران آن خواهند بود.
- ✓ در فرض تعدد شعب شخص حقوقی، مسئولیت تنها متوجه همان شعبه‌ای است که مرتکب جرم شده و علی‌الاصول مرکز اصلی مسئولیتی نخواهد داشت، مگر آن که جرم با تصمیم مرکز اصلی انجام گرفته باشد که در این صورت، با توجه به ماده ۶۹۴ ق.آ.د.ک افزون بر آن شعبه، مرکز اصلی نیز دارای مسئولیت کیفری است.
- ✓ می‌توان تصور کرد که شخص حقوقی بر اثر اجبار یا اکراه به امر خلاف قانون پرداخته یا تکلیف قانونی خود را ترک کرده که در این صورت شخص حقوقی مبرا از مسئولیت کیفری است.
- ✓ مسئولیت کیفری شخص حقوقی در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۱۴۳ ق.م.ا. در صورتی است که تصمیم منتسب به شخص حقوقی با رعایت مقررات پیش‌بینی شده در قانون برای این اشخاص اتخاذ شده باشد؛ به عبارت دیگر باید ثابت شود که هیأت مدیره و یا ارکان تصمیم‌گیرنده شخص حقوقی در حدود مقررات خاص ناظر بر فعالیت اشخاص مذکور عمل کرده‌اند؛ اگر در ضمن رسیدگی فرضاً معلوم شود که تصمیم یا تصمیم‌های شخص حقوقی بدون رعایت حد نصاب اعضای هیأت مدیره یا مجمع عمومی اتخاذ شده و هیأت مذکور به صورت غیرقانونی تشکیل شده است؛ این تصمیم‌ها بی‌اعتبار تلقی می‌شود و هیچ مسئولیتی متوجه شخص حقوقی نیست.
- ✓ **عدم تالازم:** اصل بر عدم ملازمت سؤولیت شخص حقیقی با شخص حقوقی است، لذا این که شخص حقوقی مسؤول خواهد بود؛ موجب برطرف شدن مسئولیت شخص حقیقی نمی‌شود؛ از سوی دیگر هر جا عضوی از شخص حقوقی مرتکب جرمی شود؛ لزوماً برای شخص حقوقی ایجاد مسئولیت کیفری نخواهد کرد. (ماده ۱۴۳ ق.م.ا.)

مجازات شخص حقوقی

ماده ۲۰ ق.م.ا: «در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسؤول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف - انحلال شخص حقوقی

ب - مصادره کل اموال

پ - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دایم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ت - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دایم یا حداکثر برای مدت پنج سال

ث - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

ج - جزای نقدی

چ - انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها»

✓ با توجه به پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی طبق شرایط مقرر در ماده ۱۴۳ ق.م.ا قانونگذار در ماده فوق به بیان مجازات‌های تعزیری آنها پرداخته است؛ هرچند بحث حدود و قصاص در خصوص اشخاص حقوقی منتفی است، اما محکوم ساختن آنها به پرداخت دیه در صورت احراز رابطه سببیت بلامانع است.

✓ دادگاه در اعمال مجازات شخص حقوقی باید به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن توجه کند و اجازه دارد به یک تا دو مجازات از مجازات‌های هفتگانه فوق شخص حقوقی را محکوم کند.

✓ ممنوعیت‌های اشخاص حقوقی (موارد پ، ت و ث) با توجه به به میزان آن حسب مورد درجه پنج یا شش محسوب می‌شود؛ اما ممنوعیت از اصدار اسناد تجاری لزوماً درجه شش بوده و محرومیت دائم از این حق امکان‌پذیر نیست.

✓ مجازات‌های مقرر در ماده فوق مجازات‌های تکمیلی اصلی‌اند. مجازات‌های تکمیلی و تبعی در مورد اشخاص حقوقی قابل اجرا نیست. به طور کلی، جرائم و مجازات‌های اشخاص حقوقی از شمول احکامی مانند عفو خصوصی، گذشت شاکی، تخفیف یا تشدید مجازات خارج است؛ زیرا این جرائم بر مبنای خاصی وضع شده‌اند.

ماده ۲۱ ق.م.ا: «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود»

✓ زمانی می‌توان شخصی حقوقی را به جزای نقدی محکوم کرد که مجازات قانونی جرم ارتكابی برای اشخاص حقیقی جزای نقدی باشد اما اگر مجازات قانونی جرم ارتكابی جزای نقدی نباشد دادگاه نمی‌تواند شخص حقوقی را محکوم به جزای نقدی کند. برای مثال در جرم خیانت در امانت با توجه به ماده ۶۷۴ ق.م.ا تعزیرات، شش ماه تا سه سال حبس است و جزای نقدی جزء مجازات‌های این جرم نیست؛ بنابراین اگر شخص حقوقی مرتکب خیانت در امانت شود، نمی‌توان آن را به جزای نقدی محکوم ساخت.

✓ حکم ماده فوق منصرف از مواردی است که به موجب سایر قوانین برای شخص حقوقی جزای نقدی تعیین شده باشد، برای مثال در مورد جرائم رایانه‌ای، میزان جزای نقدی با توجه به ماده ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای ۳ تا ۶ برابر جزای نقدی اشخاص حقیقی است.

ماده ۲۲ ق.م.ا: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.»

✓ انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن هر دو باهم قابل اعمال هستند و جدای از هم نبوده و در صورت شمول موضوع ماده باید با هم اعمال گردند

✓ انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال شخص حقوقی زمانی اعمال می‌شود که:

۱. برای ارتکاب جرم، به وجود آمده هر چند جرمی انجام نداده باشد
 ۲. با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم، تغییر داده باشد.
- ✓ اگر شخص حقوقی بخشی از فعالیت‌های خود را به اعمال مجرمانه اختصاص دهد مشمول انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال نخواهد بود؛ اگر ارتکاب جرم فعالیت انحصاری شخص حقوقی نباشد و این اشخاص فعالیت قانونی و مجرمانه هم‌زمان داشته باشند دادگاه نمی‌تواند حکم به انحلال و مصادره اموال شخص حقوقی صادر کند.

✓ در برخی قوانین خاص، قانونگذار به انحلال شخص حقوقی اشاره نموده است، بی‌آنکه مشمول شرایط مقرر در ماده فوق باشد:

۱. انحلال شخص حقوقی در مرتبه نخست:
 - قاچاق کالاهای ممنوعه (نظیر مشروبات الکلی، وسایل قمار، ...) قاچاق سازمان‌یافته (به موجب بند ب ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)
 - عدم پالایش (فیلتر) عمدی داده‌های مجرمانه رایانه‌ای (به موجب ماده ۲۱ قانون جرائم رایانه‌ای)
۲. انحلال شخص حقوقی در مرتبه دوم:
 - قاچاق کالاهای غیرممنوعه، در مرتبه اول ممانعت از فعالیت شخص حقوقی از یک تا دو سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی

(به موجب بند الف ماده ۶۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز)

— جرائم رایانه‌ای با مجازات قانونی بیش از پنج سال حبس، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در مرتبه دوم انحلال شخص حقوقی (به موجب ب ماده ۲۰ قانون جرائم رایانه‌ای)

✓ در بعضی از موارد، قانونگذار انحلال شخص حقوقی را در مرتبه نخست، در هیچ صورتی مورد پذیرش قرار نداده است ولو آنکه شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا فعالیت خود را در صرفاً در این زمینه متمرکز نموده باشد، مصداق بارز این امر، شرکت‌های حمل و نقل داخلی یا بین‌المللی هستند که با هدف قاچاق کالا و ارز تشکیل شده‌اند؛ مطابق تبصره ماده ۷۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «در صورتی که شرکت و مؤسسه به قصد قاچاق تأسیس شود و یا پس از تأسیس، فعالیت و هدف آن به این منظور منحرف گردد در مرتبه اول، فعالیت شرکت سه ماه تا یک سال تعلیق می‌شود و در صورت تکرار، شرکت منحل می‌گردد.»

تغییر وضعیت شخص حقوقی پس از ارتکاب جرم و مسئولیت آن

گاهی شخص حقوقی پس از ارتکاب جرم تغییر می‌کند، مثلاً شرکتی مرتکب کلاهبرداری شده و سپس وضعیت شرکت تغییر می‌کند، سؤال این است که این تغییر وضعیت چه تأثیری بر مسئولیت شخص حقوقی خواهد داشت؟
انواع تغییر وضعیت و تأثیر آن بر مسئولیت شخص حقوقی پس از ارتکاب جرم:

۱. ادغام: ادغام یعنی دو شخصیت حقوقی با یکدیگر مختلط شوند و در نتیجه آن، شخصیت حقوقی جدیدی به وجود بیاید، در صورت ادغام شخص حقوقی، موجودیت قبلی خود را از دست داده و بنابراین نمی‌توان جرائم سابق را به شخصیت حقوقی جدید منتسب نمود؛ متأسفانه این امر می‌تواند به راه فراری تبدیل شود که با توجه به آن، نمایندگان شخص حقوقی پس از ارتکاب جرم، تصمیم بر ادغام شخص حقوقی بگیرند تا مسئولیت کیفری متوجه آن شخصیت حقوقی نشود.
۲. تبدیل: تبدیل یعنی شخصیت حقوقی بدون از دست دادن شخصیت خود قالب جدیدی پیدا کند، (مثلاً شرکت سهامی خاص با حفظ شخصیت حقوقی خود به سهامی عام تبدیل شود) در صورت تبدیل شخص حقوقی، چون شخصیت قبلی به قوت خود باقی است، در تعهدات قبلی آن تغییر ایجاد نمی‌شود و بنابراین مسئولیت کیفری به قوت خود باقی خواهد بود.
۳. انحلال: انحلال یعنی پایان یافتن شخصیت حقوقی، در صورت انحلال شخصیت حقوقی با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها، بایستی رسیدگی کیفری را مختومه ساخت. ماده ۶۹۲ ق.آ.د.ک: «در صورت انحلال غیرارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود» همان طور که ملاحظه می‌شود، در مواردی که انحلال به صورت ارادی باشد (مثلاً با تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده) رسیدگی ادامه می‌یابد و حکم ماده ۶۹۲ ق.آ.د.ک فقط ناظر بر مواردی است که شخص حقوقی به طور غیر ارادی (مانند ورشکستگی) انحلال یافته باشد.

مسئولیت کیفری

مسئولیت در لغت به معنی مؤظف بودن به انجام دادن امری است و مسؤول کسی است که تعهدی در قبال دیگری به عهده دارد که اگر از ادای آن سر باز زند از او بازخواست می‌شود؛ با این وجود، مسئولیت همواره با التزام همراه است؛ در قلمرو حقوق کیفری محتوای این التزام قبول آثار و عواقب رفتار مجرمانه است؛ یعنی تحمّل مجازاتی که سزای رفتار سرزنش‌آمیز مجرم به شمار می‌آید. اما به صرف ارتکاب جرم نمی‌توان بار مسئولیت را یکباره بر دوش مقصر گذاشت؛ بلکه پیش از آن باید او را سزاوار تحمّل مسئولیت کیفری دانست؛ یعنی بتوان تقصیری که مرتکب شده است؛ نخست به حساب او گذاشت، سپس او را مورد بازخواست قرار داد؛ بنابراین هر فردی که مرتکب جرم شده باشد قابل مجازات نیست، بلکه مجرم مسؤول قابل مجازات است؛ به عبارت دیگر مرتکب باید مسئولیت کیفری داشته باشد تا قابل مجازات باشد. مرحوم دکتر دادبان مسئولیت کیفری را چنین تعریف کرده‌اند: «مسئولیت کیفری عبارت است از مجرمیت به علاوه قابلیت انتساب»

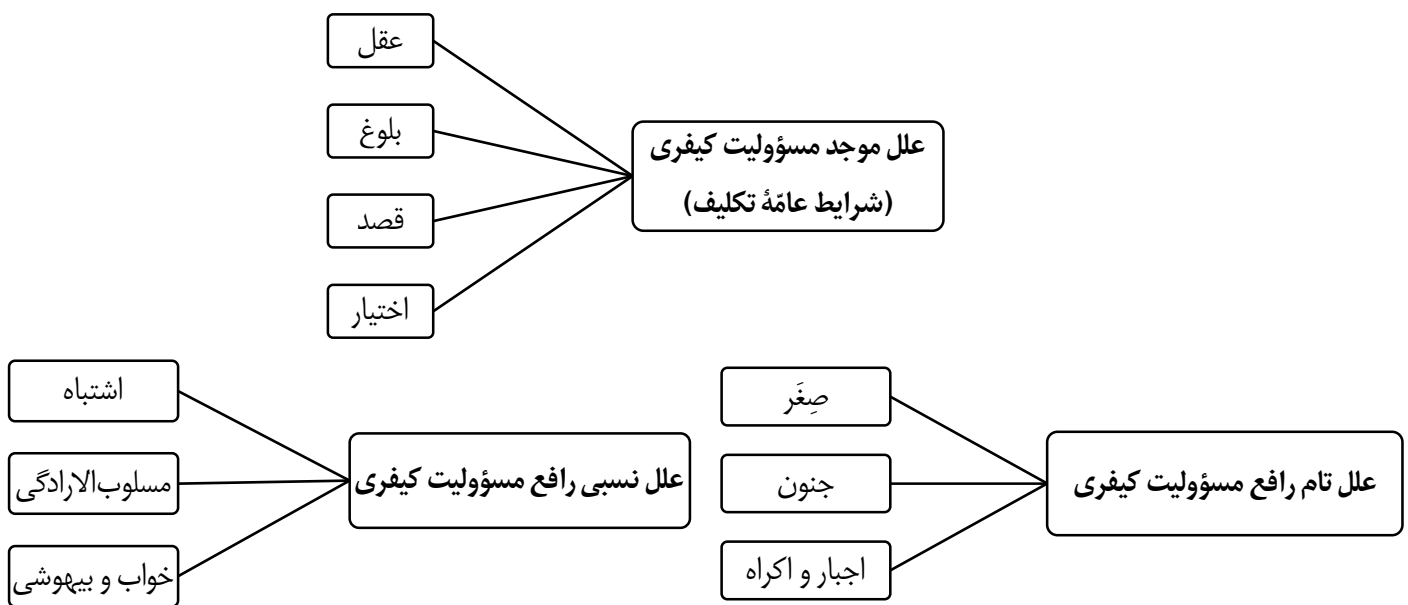
قابلیت انتساب عبارت است از توانایی پذیرفتن بار تقصیر؛ به عبارت دیگر قابلیت انتساب برخورداری فاعل از قدرت اختیار و ادراک است؛ بنابراین اگر مجرمیت فرد (یعنی ارتکاب رفتار مجرمانه توسط وی) احراز گردیده باشد، سپس باید مسئولیت کیفری وی نیز احراز گردد تا مجازات شود.

علل رافع مسؤولیت کیفری

علل رافع مسؤولیت کیفری، کیفیاتی هستند شخصی و درونی که باعث مبری شدن شخص از مسؤولیت کیفری می‌شود و فرد مجازات نمی‌شود ولی مسؤولیت مدنی (ضرر و زیان ناشی از جرم) همچنان باقی است. در عِلل رافع مسؤولیت کیفری، رفتار مرتکب، جرم است؛ اما قانونگذار بنا به دلایلی او را از مسؤولیت کیفری معاف دانسته است؛ به عبارت دیگر عِلل رافع مسؤولیت کیفری موجب زوال عنصر معنوی است.

ویژگی‌های عِلل رافع مسؤولیت کیفری

۱. اثر عِلل رافع مسؤولیت کیفری معافیت از مجازات است.
۲. عِلل رافع مسؤولیت کیفری، اسباب شخصی یا درونی می‌باشد.
۳. این اسباب تأثیری در مسؤولیت کیفری شرکا و معاونانی که دچار این وضعیت نباشند، نخواهند داشت.
۴. در این اسباب صرفاً مسؤولیت کیفری منتفی شده و مرتکب نسبت به مسؤولیت مدنی (ضرر و زیان ناشی از جرم) همچنان مسؤول است.



انواع عِلل رافع مسؤولیت کیفری

علل تام مسؤولیت کیفری: ۱- صغر، ۲- جنون، ۳- اجبار و اکراه

صغر (عدم بلوغ، کودکی یا طفولیت)

افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند و صغر یا عدم بلوغ از موانع مسؤولیت کیفری محسوب می‌شود

تبصره ۱ ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک: «طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است»

ماده ۱۴۶ ق.م.ا: «افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند»

ماده ۱۴۷ ق.م.ا: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است»

✓ سن بلوغ دختران که ۹ سال تمام قمری است، معادل ۸ سال و ۹ ماه شمسی می‌باشد.

✓ سن بلوغ پسران که ۱۵ سال تمام قمری است، معادل ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی می‌باشد.

افراد نابالغ (صغیر) را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به صغیر ممیز و صغیر غیرممیز تقسیم کرد.

«تمیز مرحله‌ای از رشد قوای عقلی است که در آن مرحله، انسان حُسن و قُبَح امور را در نتیجه مطابقت آنها با رفتارهای اجتماعی درک می‌کند.»

✓ مسؤولیت صغیر ممیز: دوره تمیز و برخورداری از مسؤولیت کیفری نسبی

✓ مسؤولیت صغیر غیرممیز: دوره فقدان تمیز و عدم مسؤولیت کیفری مطلق

مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

ماده ۱۴۸ ق.م.ا: «در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود»

اقدامات تأمینی و تربیتی افراد نابالغ در قالب یکی از تصمیمات مقرر در ماده ۸۸ ق.م.ا در مورد افراد ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی، به اجرا گذاشته می‌شود، بدیهی است منظور قانونگذار از اقدامات تأمینی و تربیتی در ماده ۱۴۸ ق.م.ا، پسران ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی و در مورد دختران بالای ۹ سال، این تصمیمات به دلیل رسیدن به سن بلوغ، جنبه کیفری به خود گرفته و مجازات قلمداد می‌شود. در جرائم مستوجب حد یا قصاص اشخاص زیر ۹ سال تمام شمسی - اعم از دختر یا پسر - نیز می‌توان از این اقدامات استفاده نمود؛ برای مثال اگر یک پسر ۸ ساله مرتکب شرب خمر شود، دادگاه با توجه به تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا مرتکب را به یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده محکوم می‌نماید. این حکم منصرف از جرائم تعزیری است و در جرائم تعزیری ارتكابی توسط اشخاص زیر ۹ سال تمام شمسی، هرگونه ضمان کیفری منتفی است و امکان تعیین اقدامات تأمینی و تربیتی وجود ندارد.

سن ارتکاب جرم	جرم ارتكابی	مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی افراد تا ۱۵ سال
۹ تا ۱۲ سال تمام شمسی (ماده ۸۸ ق.م.ا)	جرم تعزیری	الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان در صورت که دادگاه مصلحت بدانند می‌تواند تعهد به انجام امور ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید: ۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی ۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین ب - تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی با مصلحت‌سنجی دادگاه با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی. تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است. پ - نصیحت به وسیله قاضی دادگاه
۱۲ تا ۱۵ سال شمسی (تبصره ۱ ماده ۸۸ ق.م.ا)	جرم تعزیری	یکی از بندهای الف، ب، پ و یا ت - اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم ث - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۱ سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج اجرای مقررات بند (ث) در مورد بزه‌کاران ۱۲ الی ۱۵ سال شمسی مرتکب جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ الزامی است.
کمتر از ۱۲ سال قمری (تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا)	جرائم موجب حد و قصاص	الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی ب - تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر پ - نصیحت به وسیله قاضی دادگاه
۱۲ تا ۱۵ سال قمری (تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا)	جرائم موجب حد و قصاص	ت - اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم ث - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال
کلیه افراد نابالغ	دیه	در کلیه جنایات اعم از عمدی و غیرعمدی از جانب افراد نابالغ (صغار) پرداخت دیه بر عهده عاقله است (چون جنایات این افراد به استناد بند (ب) ماده ۲۹۲ ق.م.ا خطای محض محسوب می‌شود) مگر در جنایات کمتر از موضحه که در این صورت دیه از اموال خود صغیر پرداخت می‌شود. (مواد ۴۶۶ و ۴۶۷ ق.م.ا)

مصادیق عدم صلاحیت والدین بر طبق ماده ۱۱۷۳ ق.م به قرار ذیل است:

۱. اعتیاد زبان آور به الکل، مواد مخدر و قمار
۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشا
۳. ابتلا به بیماری های روانی با تشخیص پزشک قانونی
۴. سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا و تكدی گری و قاچاق
۵. تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

سن ارتکاب جرم	جرم ارتكابی	مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی افراد تا ۱۵ تا ۱۸ سال
۱۵ تا ۱۸ سال شمسی (ماده ۸۹ ق.م.ا)	جرم تعزیری	الف - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۲ تا ۵ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است. ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۱ تا ۳ سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۴ است. پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا ۱ سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام ۱۸۰ تا ۷۲۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۵ است. ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا انجام ۶۰ تا ۱۸۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۶ است. ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه ۷ و ۸ است.
افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی (ماده ۹۱ ق.م.ا)	جرائم موجب حد و قصاص	در صورتی که به تشخیص دادگاه قدرت درک ماهیت جرم و حرمت عمل ارتكابی را ندانسته و در رشد آنها شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن مرتکب، به مجازات های مندرج در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا محکوم می شوند.
افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی (ماده ۹۱ ق.م.ا)	جرائم موجب حد و قصاص	در صورتی که به تشخیص دادگاه قدرت درک ماهیت جرم و حرمت عمل ارتكابی و رشد و کمال داشته باشند در کانون اصلاح و تربیت تا ۱۸ سالگی نگهداری می شوند و مجازات های حدود و قصاص پس از ۱۸ سالگی اعمال می شود.
افراد بالغ	دیه	اصولاً افراد بالغ مسؤول پرداخت دیه هستند؛ مگر در جنایت خطای محض که عاقله موظف به پرداخت دیه است. (مواد ۴۶۲ و ۴۶۶ ق.م.ا)

در مورد مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ با توجه به مواد ۱۴۰ و ۱۴۷ ق.م.ا در جرائم حدی، ملاک سن قمری (بلوغ شرعی) و در تعزیرات، ملاک سن شمسی (زیر ۱۸ سال) می باشد.
- ✓ نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲/۱۰۲۲ - ۱۳۹۲/۶/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه: منظور از ۱۸ سال تمام شمسی، وضعیت کسی است که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۸ سالگی گذشته باشد و لذا کسی که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۷ سالگی گذشته را نمی توان ۱۸ سال تمام دانست؛ با توجه به اینکه عرفاً سالروز تولد فرد روز ورود وی به سن جدید است؛ لذا فردی که در سالروز تولدش دستگیر می شود را نمی توان ۱۸ سال تمام دانست.
- ✓ صرف اینکه متهم، مدعی شود که در زمان ارتکاب جرم، نابالغ بوده است، کفایت نمی کند و دادگاه باید این امر را احراز کند، در صورتی که دادگاه در این زمینه دچار تردید شود، بایستی اصل را بر صحت ادعاهای متهم قرار دادو این بر عهده طرف مقابل است که بلوغ مرتکب را در لحظه ارتکاب جرم به اثبات برساند.
- ✓ ملاک برای مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، زمان ارتکاب جرم است؛ بنابراین در فرضی که یک دختر ۸ ساله، اقدام

به شرب خمر نموده و در زمان رسیدگی ۱۰ ساله شده باشد، او را باید به استناد تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا به یکی از تصمیمات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) ماده مذکور، محکوم نمود؛ نه حد شرب خمر.

✓ با عنایت به اینکه سن بلوغ در دختران ۹ سال تمام قمری است (ماده ۱۴۷ ق.م.ا) اقدامات مقرر در بندهای «ت» و «ث» ماده ۸۸ ق.م.ا تنها شامل پسران می‌شود و دختران کماکان حسب مورد به مجازات حد یا قصاص محکوم می‌شوند؛ مگر آن که به موجب ماده ۹۱ ق.م.ا در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد که در این صورت به اقتضاء سن آنها تصمیم گرفته می‌شود.

✓ با لحاظ ماده ۸۹ ق.م.ا در مورد کلیه نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی که مرتکب جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شده باشند، به جای نگهداری در کانون یا جزای نقدی می‌توان حکم به نگهداری در کانون در دو روز آخر هفته داد.

✓ محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است (ماده ۹۵ ق.م.ا)

✓ همچنین به موجب ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳: «کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه‌دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) (قانون مجازات اسلامی) و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است.»

✓ از دیگر موارد حمایت از اطفال (نه نوجوانان) عدم شمول مقررات تکرار جرم و تشدید مجازات در آن است؛ مطابق ماده ۱۳۸ ق.م.ا: «مقررات مربوط به تکرار جرم در... جرائم اطفال اعمال نمی‌شود»

بازنگری و تخفیف یا تبدیل در مورد احکام صادره در خصوص اطفال و نوجوانان

✓ در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای «الف» و «ب» ماده ۸۸ ق.م.ا دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان یا رفتار او، در تصمیم خود هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند، تجدیدنظر نماید. (تبصره ۳ ماده ۸۸ ق.م.ا)

✓ دادگاه می‌تواند با توجه به گزارش‌های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل نماید. (ماده ۹۰ ق.م.ا)

✓ تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می‌شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. (ماده ۹۰ ق.م.ا)

✓ رأی دادگاه در خصوص تجدیدنظر در تصمیم قبلی خود در مورد اطفال و نوجوانان قطعی است. (ماده ۹۰ ق.م.ا)

✓ تقلیل مدت نگهداری اطفال و نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت و یا تبدیل نگهداری به تسلیم به ولی یا سرپرست، مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست. (ماده ۹۰ ق.م.ا)

✓ با جمع بین تبصره ۳ ماده ۸۸ ق.م.ا. ماده ۹۰ ق.م.ا این نتیجه قابل استنباط است که در مورد بندهای (الف) و (ب) ماده ۸۸، دادگاه اطفال هر چند بار که مصلحت طفل ارضا نماید، می‌تواند تجدیدنظر نماید؛ ولی در مورد بندهای (پ)، (ت) و (ث) فقط یک بار می‌تواند تجدیدنظر نماید.

✓ دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را «تا نصف حداقل» تقلیل داده یا به اقدام دیگری تبدیل نماید. (ماده ۹۳ ق.م.ا)

✓ تعلیق اجرای مجازات در مورد تمام جرائم موجب تعزیر در مورد نوجوانان با رعایت شرایط مقرر امکان‌پذیر است. (ماده ۹۴ ق.م.ا)

✓ تعویق صدور حکم در مورد تمام جرائم موجب تعزیر در مورد نوجوانان با رعایت شرایط مقرر امکان‌پذیر است. (ماده ۹۴ ق.م.ا)

جنون

در اصطلاح کسی که بر اثر آشفتگی روحی و روانی عقلش پوشیده مانده و قوه درک و شعور را از دست داده است، مجنون می‌گویند. عقل مهم‌ترین رکن مسؤولیت کیفری است.

ماده ۱۴۹ ق.م.ا: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب

می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.»

شروط تحقق جنون رافع مسئولیت کیفری

۱. **تقارن جنون با جرم:** همزمانی جنون با لحظه ارتکاب جرم، به عبارت دیگر جنون به عنوان یکی از موانع مسئولیت کیفری باید در حین ارتکاب جرم موجود باشد.
۲. **تلازم جنون با جرم:** ارتباط جنون با جرم ارتكابی، به عبارت دیگر جنون یا اختلال روانی مرتکب در حال ارتکاب جرم باشد، به نحوی که وی را فاقد اراده یا قوه تمییز نماید، رافع مسئولیت کیفری است.

در مورد مجنون و مسئولیت وی نکات ذیل قابل توجه است:

- ✓ جنون را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به جنون دائمی و جنون ادواری تقسیم کرد؛ در جنون دائمی این حالت همیشه با فرد است، ولی در جنون ادواری همان طور که از نامش پیداست این فرد گاهی دارای حالت جنون است و گاهی مثل انسان‌های عاقل عمل می‌کند. در جنون ادواری، جنون وقتی مانع مسئولیت است که در حین ارتکاب جرم، وجود داشته باشد. قانونگذار در مواد ۱۷۸ و ۳۰۸ ق.م.ا به جنون ادواری اشاره کرده است.
- ✓ جنون فرض و اماره قانونی نیست و باید در هر مورد ثابت شود و تعیین جنون امری ماهوی و در اختیار دادگاه است.
- ✓ در مواردی که متهم مدعی شود که در زمان ارتکاب جرم، مجنون بوده است و قاضی در این زمینه تردید کند، باید وضع سابق بر جرم را استصحاب کند؛ یعنی اگر متهم سابقاً دچار جنون بوده است، باید اصل را بر صحت ادعای او قرار داد، اما در صورتی که فاقد چنین سابقه‌ای باشد، اصل بر عدم صحت این ادعا است و متهم باید آن را به اثبات برساند، این امر بر عهده طرف مقابل است که سلامت عقلی متهم را به اثبات برساند؛ مطابق ماده ۳۰۸ ق.م.ا: «اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی علیه ادعاء کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه او از جنون سابقش انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعا کند، ولی دم یا مجنی علیه باید برای ادعای خود بینه اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینه، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.»
- ✓ جنون مرتکب در حین ارتکاب مهم است؛ اگر مرتکب بعد از ارتکاب جرم عاقل شود، همچنان مسئولیت کیفری ندارد.
- ✓ اگر مجنون مرتکب جنایت (قتل و ضرب و جرح) شود جنایت او خطای محض است و عاقله او ضامن دیه است؛ اما در صورت اتلاف مال و ایراد خسارت از مال خود مجنون جبران خسارت می‌شود؛ به عبارت دیگر جنون رافع مسئولیت کیفری است، ولی مسئولیت مدنی مجنون همچنان باقی است.
- ✓ در صورتی که دیوانه‌ای عاقلی را بکشد، قصاص نمی‌شود؛ بلکه جنایت او خطای محض محسوب می‌شود و بر طبق ماده ۳۰۵ ق.م.ا اگر عاقلی دیوانه‌ای را بکشد، قصاص نمی‌شود؛ بلکه به پرداخت دیه و تعزیر مقرر در ماده ۶۱۲ ق.م.ا محکوم می‌شود. ماده ۳۰۵ ق.م.ا: «مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود.»
- ✓ جنون + حالت خطرناک + بعد از وقوع جرم + امکان اخلال در نظم و امنیت = نگهداری در محل مناسب
- ✓ هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب جرم، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر، پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود (قبل از صدور حکم قطعی) چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود. شخص نگهداری شده و خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه‌ای اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک، در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیر این صورت در تأیید دستور دادستان حکم صادر می‌کند؛ این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی هرگاه علائم بهبودی را مشاهده کردند، حق اعتراض به این حکم را دارند. این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب درمان شده باشد بر حسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او، دادستان دستور

خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

- ✓ بر طبق تبصره ۲ ماده ۱۵ ق.م.ا، قوه قضاییه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در حوزه قضایی برای نگهداری افراد موضوع این ماده، تدارک ببیند تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می‌شود.
- ✓ بر طبق مواد ۲۰۲ و ۳۷۰ ق.آ.دک جنون در حین ارتکاب جرم از موارد موقوفی تعقیب است.

زمان حدوث جنون	نوع جرم	تصمیم قضایی
جنون قبل از ارتکاب جرم و ارتکاب جرم در حالت بهبودی	کلیه جرائم	موجب رفع مسئولیت کیفری نیست؛ اما به استناد بند (ث) ماده ۳۸ ق.م.ا از جهات تخفیف محسوب می‌شود.
جنون حین ارتکاب جرم و ارتکاب جرم در حالت جنون	کلیه جرائم	موجب رفع مسئولیت کیفری است (به استناد ماده ۱۴۹ ق.م.ا)؛ صدور قرار موقوفی تعقیب (ماده ۳۷۰ ق.آ.د.ک) نگهداری مجنون در محل مناسب (ماده ۱۵۰ ق.م.ا).
ارتکاب جرم در حالت بهبودی، جنون پس از ارتکاب جرم تا پیش از صدور حکم قطعی	جرائم حق الهی	تا زمان افاقه تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. (تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک)
ارتکاب جرم در حالت بهبودی، جنون پس از ارتکاب جرم تا پیش از صدور حکم قطعی	جرائم حق الناسی	تعقیب و رسیدگی متوقف می‌شود؛ مگر ادله اثبات جرم به نحوی باشد که در حالت افاقه هم نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت ۵ روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد. (تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک)
ارتکاب جرم در حالت بهبودی، جنون پس از ارتکاب جرم تا پس از صدور حکم قطعی	جرائم مستوجب حد	حد ساقط نمی‌شود (تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا)
ارتکاب جرم در حالت بهبودی، جنون پس از ارتکاب جرم تا پس از صدور حکم قطعی	جرائم تعزیری	تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مجازات‌های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود. (ماده ۵۰۳ ق.آ.د.ک) در حبس یا بازداشت بدل از جزای نقدی محکوم در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود و این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود. (تبصره ماده ۵۰۳ ق.آ.د.ک)
ارتکاب جرم در حالت بهبودی، جنون پس از ارتکاب جرم حین اجرای مجازات		اگر تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای مجازات، ضمن صدور دستور توقف اجرای حکم، مجازات را به تعویق می‌اندازد. (تبصره ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک)
		اگر امیدی به بهبودی نباشد، قاضی اجرای مجازات پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات با ذکر دلیل پرونده را برای تبدیل مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند. (ماده ۵۰۲ ق.آ.د.ک)

اجبار و اکراه

یکی از شرایط عامه تکلیف و مسئولیت، اختیار است. اختیار در لغت به معنی آزادی عمل و قدرت انجام دادن کار به اراده خویش تعریف شده است. مختار کسی است که آنچه می‌خواهد آزادانه برگزیند. در مقابل اجبار موقعیتی است که موجب زوال اراده آزاد شخص مجبور، در زمان ارتکاب جرم می‌گردد. اجبار در معنای عام، شامل اجبار مادی (اجبار به معنای خاص) و اجبار معنوی یا همان اکراه می‌شود؛ بنابراین علی که

باعث زوال اختیار شوند مانع مسؤولیت می‌شوند؛ در نتیجه اجبار و اکراه از موانع مسؤولیت کیفری است. قانونگذار در ماده ۱۵۱ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود»
اجبار: تعریف اجبار به معنای اعم از نظر دکتر ملاکریمی: «وادار شدن کسی تا بدون اختیار، مرتکب رفتار مجرمانه شود.»

اقسام اجبار

۱. **اجبار مادی یا عینی:** اجبار مادی که روی جسم مرتکب اثر می‌گذارد.

• **اجبار مادی بیرونی:** حوادث طبیعی مثل سیل و طوفان

• **اجبار مادی درونی:** خواب و بیماری

۲. **اجبار معنوی یا درونی:** اجبار معنوی که روی روان مرتکب اثر می‌گذارد.

• **اجبار معنوی بیرونی (اکراه):** تهدید

• **اجبار معنوی درونی:** انتقام، هیجان

✓ در میان ۴ مورد اجبار فوق، «**اجبار معنوی درونی**» که ممکن است ناشی از یک امر شخصی مانند میل شدید به انتقام‌جویی یا تعصب خاص خانوادگی، میهنی یا مذهبی یا عشق و هیجان درونی باشد؛ جزء علل رافع مسؤولیت کیفری نیست؛ به عبارت دیگر اجبار معنوی درونی رافع مسؤولیت کیفری نیست و تنها به استناد بند پ ماده ۳۸ ق.م.ا می‌تواند به عنوان انگیزه شرافتمندانه از کیفیات مخفیه جرم محسوب شود.

اقسام اجبار (اجبار به معنای عام)	اجبار مادی یا عینی		رافع مسؤولیت کیفری است.
	اجبار مادی بیرونی		رافع مسؤولیت کیفری است.
	اجبار مادی درونی		رافع مسؤولیت کیفری است.
	اجبار معنوی یا درونی		رافع مسؤولیت کیفری است.
		اجبار معنوی بیرونی (اکراه)	رافع مسؤولیت کیفری است.
		اجبار معنوی درونی	رافع مسؤولیت کیفری نیست.

اجبار مادی با منشأ خارجی (بیرونی): تعریف اجبار مادی با منشأ خارجی (بیرونی) از نظر دکتر ملاکریمی: «قدرتی است از جانب طبیعت یا فرد دیگری که بر جسم مرتکب اثر گذاشته و او را وادار می‌کند تا بدون قصد و اراده، مرتکب رفتار مجرمانه شود» مثلاً، انگشت شخص مجبور را بر روی ماشه تفنگ گذاشته و ماشه را بچکاند.

در جرائم غیرعمدی نیز اجبار مادی قابل تحقق است. صدمه بدنی ناشی از رانندگی وقتی ناشی از فورس مازور (علل قهریه) باشد، موجب تحقق عنوان مجرمانه قتل یا جرح عمدی ناشی از بی احتیاطی نخواهد شد. فرض ماده ۵۳۰ ق.م.ا: «هرگاه برخورد بین دو یا چند نفر یا وسیله نقلیه بر اثر عوامل قهری مانند سیل و طوفان به وجود آید، ضمان منتفی است»

رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری، شماره هـ ۲۰/۶۷۰ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۶، غیبت ناشی از بازداشت کارمند را غیبت غیرموجه ندانسته و در واقع اجبار مادی خارجی را از موارد رافع مسؤولیت کیفری دانسته است.

یک نظامی به علت ارتکاب قتل غیرعمدی ناشی از بی احتیاطی در رانندگی مدت یک ماه در بازداشت بوده و لذا نتوانسته به پادگان برود، معافیت از مجازات غیبت به علت عدم حضور در محل خدمت برای وی با استفاده از اجبار مادی با منشأ خارجی است؛ دکتر اردبیلی در این خصوص نظر مخالف دارند و نظرشان این هست که در این مثال چون عدم حضور سرباز در محل خدمت ناشی از تقصیر وی (عدم رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی و تصادف منجر به قتل غیرعمدی) بوده و در نتیجه به علت بازداشت نتوانسته است، در محل خدمت خود حاضر شود؛ لذا رافع مسؤولیت وی نخواهد بود؛ نظر دکتر اردبیلی برخلاف رای وحدت رویه فوق به شماره هـ ۲۰/۶۷۰ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۶ است.

شرایط اجبار مادی

اجبار مادی خواه منشأ بیرونی داشته باشد، خواه منشأ درونی، هنگامی رافع مسؤولیت کیفری به شمار می‌رود که:

۱. **غیرقابل مقاومت بودن اجبار:** یعنی عادتاً اجبار غیرقابل تحمل باشد.
۲. **غیرقابل پیش‌بینی بودن اجبار:** فرد مجبور توانایی پیش‌بینی وقوع اجبار در لحظه ارتکاب جرم نداشته باشد.
۳. **فقدان تقصیر پیشین شخص مجبور:** فرد مجبور نقشی در به وجود آمدن، شرایط اجبار نداشته باشد.

اجبار مادی با منشأ داخلی (درونی)

گاه ممکن است اجبار به علتی مستند به خود مرتکب باشد؛ به عبارت دیگر در صورتی که تأثیر عامل جسمانی و درونی به اندازه‌ای باشد که آزادی اراده و اختیار شخص را از بین ببرد، چنین عاملی رافع مسؤولیت کیفری می‌باشد. ماده ۷۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بیماری را در شمار «عذر مؤجّه» دانسته و به صراحت پیش‌بینی کرده است. همچنین خواب فشار الزام‌آور دیگری است که در صورت غلبه ممکن است انطباق وضع انسان را با قوانین ممتنع سازد. در این جا مقصود از ارتکاب جرم در عالم خواب نیست، بلکه تأثیر خواب در ایفای تکالیف مقرر قانونی است که مانع از آن است؛ بنابراین اگر نگرهبان نیروهای مسلح که مراقبت و حفاظت محل یا منطقه‌ای به او واگذار شده بر اثر خستگی مفرط و کم‌خوابی در حین نگرهبانی مغلوب خواب گردد، تکلیف از او ساقط است. در این جا مقصود از ارتکاب جرم در عالم خواب نیست، بلکه تأثیر خواب در ایفای تکالیف مقرر قانونی است که مانع از آن است؛ بنابراین بیماری و خواب را می‌توان دو عامل برای اجبار مادی با منشأ داخلی محسوب نمود.

اکراه (اجبار معنوی با منشأ خارجی (بیرونی)): تعریف اکراه از نظر دکتر ملاکریمی: «وادر کردن کسی به ارتکاب رفتار مجرمانه بدون رضایت با تهدید یا تخویف (خوف) یا تحریک شدید یا تلقین که در روان او تأثیر می‌گذارد و از آن رفتار مجرمانه کراهت دارد و منشأ این فشار روانی تهدید یا تحریک غیرقابل تحمل علیه جان و مال و ناموس مکره است.» بر طبق ماده ۱۵۱ ق.م.ا باید قابل تحمل نباشد و این اکراه در دو موقعیت قابل بررسی است:

ارتکاب جرم با اکراه به صورت تهدید دیگری

تهدید وقتی مستند اکراه به عنوان عامل رافع مسؤولیت کیفری قرار می‌گیرد که:

۱. غیرقابل مقاومت بوده و به اندازه کافی شدید باشد؛
۲. مستقیم و قریب‌الوقوع باشد؛
۳. موجب سلب کامل اراده مرتکب جرم گردد؛
۴. تهدید نامشروع و ناحق باشد و به عبارتی دیگر غیرقانونی باشد.

ارتکاب جرم با اکراه به صورت تحریک دیگری

اگر تحریک به قدری شدید باشد که موجب زوال اراده آزاد و مختار شده باشد، از علل رافع مسؤولیت کیفری است؛ ولی اگر موجب زوال اراده آزاد نشود، ممکن است از کیفیات مخففه به حساب آید؛ مانند موردی که مأمور مبارزه با مواد مخدر با پیشنهاد خرید مواد مخدر به قیمت زیاد زمینه را برای دستگیری فروشنده فراهم و فروشنده را تحریک و وادار به فروش مواد مخدر نماید. مثال دیگر در موردی است که بازرس کنترل قیمت‌ها با فریب، نیرنگ و دسیسه، فروشنده را وادار به فروش مال به قیمت غیرمجاز نماید، چنین تحریکی وقتی شدید بیاض می‌تواند بر اراده فرد اثر گذارد و موارد رفع مسؤولیت کیفری را مطرح سازد؛ حال اگر تحریک کاملاً موجب زوال اراده مرتکب نشده باشد، ممکن است با استفاده از کیفیات مخففه، مجازات مرتکب جرم تخفیف یابد.

شرایط اکراه (اجبار معنوی)

۱. **فعلیت داشتن اکراه:** اکراه زمانی محقق می‌شود که تهدید به خطری باشد که بالفعل یا قریب‌الوقوع است؛ بنابراین اگر کسی به دیگری بگوید: «اگر اموال دیگری را سرقت نکنی، چند سال بعد تو را می‌کُشم» رفتار او اکراه محسوب نمی‌شود.
۲. **غیرقانونی بودن اکراه:** تهدیدی مشمول عنوان اکراه است که به ناحق و نامشروع باشد؛ بنابراین اگر ضابطان دادگستری به شخص تحت تعقیب اخطار بدهند: «اگر تسلیم نشوی، تیراندازی می‌کنیم» رفتار آنها مشمول اکراه نخواهد بود.
۳. **غیرقابل دفع بودن اکراه:** در بسیاری از موارد، شخص مکره قادر به رفع تهدید از خود می‌باشد، یا اساساً تهدیدکننده، توانایی عملی کردن

تهدید را ندارد، برای مثال یک پیرمرد ناتوان به یک جوان توانمند بگوید: «اگر از شخص دیگری کلاهبرداری نکنی، تو را لت و کوب می‌کنم» در این موارد با توجه به آن که نوعاً امکان عملی ساختن چنین تهدیدی، وجود ندارد، بحث اکراه منتفی است. این شرط در ماده ۱۵۱ ق.م.ا با عبارت (اکراه غیرقابل تحمل) ذکر شده است.

۴. **قریب الوقوع بودن خطر:** یعنی شرایط به گونه‌ای باشد که اگر مکره مخالفت ورزید، حسب ادله و قرائن معقول ترس آن باشد که مکره تهدید خود را نسبت به او فوراً به اجرا خواهد گذاشت.

۵. **وقوع تهدید نسبت به جان، مال یا آبروی مکره یا نزدیکان او:** متعلق اکراه، لزوماً خود فرد تهدیدشونده نیست و با توجه به ملاک غیرقابل تحمل بودن، شامل اشخاصی که که به منزله خود مکره هستند نیز می‌شود (مانند پدر، مادر، همسر و فرزندان)؛ زیرا تهدید به قتل فرزند، همان قدر غیرقابل تحمل است که خود فرد را به قتل تهدید کنند.

۶. **تناسب میان تهدید و جرم:** در مواردی که میان تهدید و جرم ارتكابی، تناسب وجود نداشته باشد، مرتکب نمی‌تواند به استناد اکراه، از زیر بار مسؤولیت اکراه، شانه خالی کند، ولو آنکه این تهدید برای او غیرقابل تحمل باشد؛ برای مثال در صورتی که کسی به دیگری بگوید: «اگر به فلان خانم، تجاوز نکنی، ماشینت را آتش می‌زنم» در این فرض، هر چند آتش زدن ماشین، غیرقابل تحمل است اما به دلیل عدم تناسب میان تهدید و جرم ارتكابی، استناد به اکراه منتفی است.

تفاوت‌های اجبار و اکراه

دکتر اردبیلی اکراه را نوعی اجبار (اجبار معنوی بیرونی) دانسته‌اند؛ اما دکتر میرمحمد صادقی معتقدند که نمی‌توان اجبار را معادل اکراه دانست؛ زیرا در اکراه اراده و اختیار مرتکب پابرجا، ولی رضایت و طیب خاطر او منتفی است، در حالی که در اجبار اراده و اختیار مرتکب سلب می‌شود.

تفاوت‌های اجبار و اکراه	
با وجود این که دکتر اردبیلی اجبار و اکراه را یکی دانسته‌اند، اما در تفاوت اجبار و اکراه باید یادآور شد که:	
اجبار	اکراه
در اجبار رفتار مرتکب، برخاسته از اراده او نیست؛ بنابراین اراده وی مخدوش است؛ به عبارت دیگر اجبار قصد را زایل می‌کند.	در اکراه رفتار مرتکب، برخاسته از اراده اوست و تنها رضایت وی مخدوش است؛ به عبارت دیگر اکراه رضایت را زایل می‌کند
بحث دیه و ضمان مالی منتفی است.	بحث دیه و ضمان مالی منتفی نیست.
اجبار لزوماً از سوی انسان محقق نمی‌شود و سایر علل قهری مانند سیل، طوفان، زلزله و ... نیز ممکن است زمینه‌ساز شرایط جبری باشند	اکراه تنها از سوی انسان محقق می‌شود و زمانی محقق می‌شود که انسانی، انسان دیگر را تهدید غیرقابل تحمل نماید.
در مورد شخص مجبور به دلیل فقدان اراده اساساً نمی‌توان قتل را به او منتسب نمود؛ مثلاً انگشت شخص را بر روی ماشه تفنگ گذاشته و ماشه را بچکاند.	اکراه مجوز قتل عمدی نیست و شخصی که در نتیجه اکراه، مرتکب قتل عمدی شده است، به قصاص نفس محکوم خواهد شد

در مورد اجبار و اکراه نکات ذیل قابل توجه است:

✓ سلب اراده در همه جرائم اعم از عمدی و غیرعمدی و خطایی و آن دسته از جرائمی که خلاف نامیده می‌شود؛ یعنی از عدم رعایت نظامات دولتی ناشی می‌گردد، ممکن است.

✓ **الجاء** یعنی واردکردن کسی به انجام کاری یا به عبارتی یعنی اکراهی که به حد اجبار برسد.

✓ در صورت تحقق اکراه یا اجبار تفاوتی میان آن نیست که متعلق اکراه، جرم علیه شخص ثالث باشد یا جرم علیه خود مکره.

- ✓ تهدید و اکراه به خودی خود و بدن آنکه مکزه متعلق اکراه را اجرا نماید یا ننماید، جرم مستقلى است که در مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ ق.م.ا تعزیرات جرم انگاری شده است.
- ✓ در تحقق اکراه هم ملاک نوعی و هم ملاک شخصی مؤثر است
- ✓ اکراه فقط در یک مورد مجوز ارتکاب جرم نیست و آن قتل است.
- ✓ اکراه در حقوق ایران، نسبت به شخص اکراه‌شده (مکزه) در غیر از موارد قتل عمد، رافع مسؤولیت کیفری است.
- ✓ مجرد خوف از کسی تهدید محسوب نمی‌شود؛ زیرا تهدید باید به صورت یک رفتار عینی بیرونی از سوی فرد اکراه‌کننده باشد که موجب ترس شود.
- ✓ بحث اکراه در جرائم غیر عمدی منتفی است، زیرا ابتدا باید قصد ارتكابی جرمی وجود داشته باشد تا بتوان دیگری را به آن اکراه نمود.

اکراه در قتل

ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی: «اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه‌کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد» اکراه مجوز قتل عمدی نیست و شخصی که در نتیجه اکراه، مرتکب قتل عمدی شده است، به قصاص نفس محکوم خواهد شد. البته این حکم قابل تسری به اجبار نیست؛ زیرا شخص مجبور هیچ گونه اراده و قصدی ندارد، در حالی که شخص اکراه‌شده (مکزه) دارای اراده است و اراده آزاد او مختل است. حکم مقرّر در این ماده منطبق با نظر مشهور فقها است؛ زیرا همان گونه که بیان شد، یکی از شرایط تحقق اکراه رعایت تناسب میان اکراه و جرم ارتكابی است و در صورتی که شخصی به دلیل اکراه غیر قابل تحمل، اقدام به کشتن شخص دیگری نماید، با توجه به عدم رعایت تناسب، امکان استناد به اکراه وجود نخواهد داشت؛ حتی در مواردی که شخصی به دیگری بگوید: «اگر آن یک نفر را نکشی، آن ده نفر را خواهیم کشت» همچنان اکراه مجوز قتل نخواهد بود؛ چرا که در این صورت «ترجیح بلا مرجّح» لازم می‌آید؛ همان قدری که نفس یک نفر دارای ارزش است، نفس انسان دیگر دارای ارزش است؛ به طور کلی اکراه در قتل عمدی را در ۳ حالت می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. اکراه شخص به قتل دیگری: در صورتی که شخصی به دیگری بگوید: «اگر فلان شخص را نکشی، شخص دیگری را (مثلاً فرزندت) را خواهیم کشت» در صورت ارتکاب قتل عمدی، مکزه (اکراه‌شده) به قصاص نفس و مکره (اکراه‌کننده) حبس ابد محکوم خواهد شد.
۲. اکراه شخص به قتل خودش (اکراه به قتل مکزه «اکراه‌شده»): در صورتی که شخصی به دیگری بگوید: «اگر خودت را نکشی، تو را خواهیم کشت» و مکزه (اکراه‌شده) خودش را بکشد، مکره (اکراه‌کننده) به قصاص نفس محکوم خواهد شد (ماده ۳۷۹ ق.م.ا).

✓ گاهی مکره (اکراه‌کننده) بی‌آنکه مستقیماً طرف مقابل را اکراه به کشتن خود نماید، او را وادار به انجام رفتاری می‌نماید که نتیجه آن سلب حیات شخص است؛ برای مثال او را وادار می‌کند تا به قتل عمدی دیگری اقرار نماید و مکزه (اکراه‌شده) در نتیجه این اقرار، اعدام می‌شود، در چنین فرضی مکره (اکراه‌کننده) به دلیل داشتن قصد تبعی به قصاص نفس محکوم می‌شود؛ زیرا نتیجه رفتار او، موجب مرگ مکزه (اکراه‌شده) شده است، هرچند مستقیماً او را به کشتن خود اکراه ننموده باشد.

✓ در مواردی که مکره (اکراه‌کننده) نه قصد قتل مکزه (اکراه‌شده) را داشته و نه او را به رفتاری اکراه نموده که نوعاً منتهی به مرگ وی شود، در صورتی که اتفاقاً منتهی به مرگ مکزه (اکراه‌شده) شود، جنایت وارده شبه‌عمدی محسوب می‌شود و مکره (اکراه‌کننده) باید دیه بپردازد؛ برای مثال در فرضی که شخصی بدون قصد کشتن دیگری، او را وادار نماید تا چند سیلی به صورت خود بزند و مکزه (اکراه‌شده) در نتیجه زدن سیلی اتفاقاً فوت کند، رفتار مکره (اکراه‌کننده) قتل شبه‌عمدی محسوب می‌شود؛ زیرا نه قصد ایراد جنایت بر مکزه (اکراه‌شده) را داشته (قصد مستقیم) و نه آن رفتار نوعاً منتهی به ایراد جنایت می‌شده است (قصد تبعی) لازم به ذکر است

✓ در فروض فوق در صورتی که، مکزه (اکراه‌شده) برای حفظ جان خود، مکره (اکراه‌کننده) را به قتل برساند، رفتار او دفاع مشروع تلقی می‌شود و هیچ گونه مسؤولیت کیفری متوجه او نخواهد بود. (ماده ۳۸۰ ق.م.ا)

۳. اکراه شخص به قتل طرف مقابل (اکراه به قتل مکزه «اکراه‌کننده»): این فرض در قانون مجازات اسلامی مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است، یعنی چنانچه شخصی به دیگری بگوید: «اگر مرا نکشی، تو را خواهیم کشت» تکلیف این قضیه نامشخص است، ولی به نظر می‌رسد با توجه به اقدام مکره (اکراه‌کننده) علیه خودش، قصاص و دیه منتفی است و مسؤولیتی متوجه مکزه (اکراه‌شده) نخواهد بود.

اثر اجبار و اکراه در مسؤولیت کیفری

هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل یا اجبار مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، اصولاً مجازات نمی‌گردد؛ مگر مجازات قاتلی که بر اثر اکراه مرتکب قتل عمد شده است.

مجازات اکراه‌کننده (مکره)

به موجب ماده ۱۵۱ ق.م.ا: «در جرائم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود»

مجازات اکراه‌کننده (مکره) در جرائم تعزیری

در خصوص مجازات اکراه‌کننده (مکره) در جرائم تعزیری ماده ۱۵۱ ق.م.ا مقرر داشته است: «در جرائم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود» در خصوص اعمال این حکم می‌توان به طور مثال به ماده ۶۳۷ ق.م.ا تعزیرات نیز اشاره کرده که چنین مقرر داشته است: «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل مُنافی عِفّت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عَف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود»

مجازات اکراه‌کننده (مکره) در جرائم موجب حد

ماده ۱۲۷ ق.م.ا: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.»

ماده ۱۲۸ ق.م.ا: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.

تبصره ۱- در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عَف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا، مُسَقَط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.

تبصره ۲- اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.»

در مورد زنا بند «ت» ماده ۲۲۴ ق.م.ا مقرر داشته است: «زنای به عَف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است»
در مورد لواط ماده ۲۳۴ ق.م.ا مقرر داشته است: «حد لواط برای فاعل، در صورت عَف، اکراه یا دارا بودن شرایط احسان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است»

مجازات اکراه‌کننده (مکره) در جنایت موجب قصاص

اکراه در جنایت موجب قصاص در ۲ مورد ثابت است:

۱. اکراه بر جنایت نسبت به شخص ثالث

۱. اکراه در جنایت بر عضو: در این باره در ماده ۳۷۷ ق.م.ا مقرر شده است: «اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه‌کننده است» و همچنین ماده ۳۷۸ ق.م.ا بیان داشته است: «ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات با سوگند صاحب حق قصاص، مباشر قصاص می‌شود.»

۲. اکراه در جنایت بر نفس (اکراه در قتل): در این باره در ماده ۳۷۵ ق.م.ا مقرر شده است: «اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه‌کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- اگر اکراه‌شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه‌کننده محکوم به قصاص است.

تبصره ۲- اگر اکراه‌شونده طفل ممیز باشد عاقله او، دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود»
ماده ۳۷۶ ق.م.ا: «مجازات حبس ابد برای اکراه‌کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه‌کننده و حق اولیای دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است. اگر اکراه‌کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود»
بنابراین اکراه در قتل مجوز قتل نیست، در صورت ارتكاب قتل توسط مکره، مجازات اکراه‌شونده و اکراه‌کننده چنین است:

✓ اگر اکراه‌شونده بالغ و عاقل باشد:

- اکراه‌شونده قصاص نفس می‌شود.
- اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.
- ✓ اگر اکراه‌شونده طفل ممیز باشد:
- قتل خطای محض است و عاقله طفل ممیز اکراه‌شونده موظف به پرداخت دیه می‌باشند.
- اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.
- ✓ اگر اکراه‌شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد: فقط اکراه‌کننده مبنی بر اقوا بودن سبب از مباشر به قصاص نفس محکوم می‌شود. در این فرض اکراه‌شونده به دلیل غیر ممیز بودن و جنون در حد وسیله تنزل یافته است و اکراه‌کننده سبب اقوا از مباشر می‌باشد که به جای او قرار گرفته و مجازات می‌شود.
- ✓ اگر طفل ممیزی (اکراه‌کننده: مکره)، طفل غیر ممیزی (اکراه‌شونده: مکره) اکراه به قتل کند: با توجه به تبصره ۱ ماده ۳۷۵ ق.م.ا فقط جنایت ارتكابی توسط صغیر، خطای محض محسوب شده و بنابراین عاقله طفل ممیز موظف به پرداخت دیه می‌باشند.
- * اجرای مجازات حبس ابد، برای اکراه‌کننده (مکره) مشروط است به اثبات شرایط عمومی قصاص در اکراه‌کننده است، این مجازات همچون قصاص حق خصوصی اولیای دم محسوب می‌شود و قابل گذشت و مصالحه است.
- * در صورتی که اکراه‌کننده (مکره) به هر علت مانند گذشت اولیای دم یا عدم وجود شرایط عمومی قصاص (رابطه پدر و فرزندی) به حبس ابد محکوم نشود، به «مجازات معاون در قتل» محکوم می‌شود.

۲. اکراه بر جنایت نسبت به اکراه‌شونده (مکره)

در این باره در ماده ۳۷۹ ق.م.ا مقرر شده است: «هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه‌شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه‌کننده قصاص می‌شود؛ مگر اکراه‌کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه‌کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود» و به استناد ماده ۳۸۰ ق.م.ا: «اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل اکراه‌کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد»

مجازات اکراه‌کننده (مکره) ماده ۱۵۱ ق.م.ا		
در جرائم تعزیری		در جرائم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود.
در جرائم موجب حد		در زنای به عنف زانی اعدام می‌شود. (بند ت ماده ۲۳۴ ق.م.ا) در لواط به عنف فاعل اعدام می‌شود. (ماده ۲۲۴ ق.م.ا) در سایر حدود اجبار و اکراه رافع مسؤولیت کیفری اکراه‌کننده (مکره) است. (مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.م.ا)
در جنایت موجب قصاص	اکراه بر جنایت نسبت به شخص ثالث	اکراه در جنایت بر عضو اکراه‌شونده (مکره) قصاص نفس می‌شود.
	اکراه در قتل:	اکراه‌کننده (مکره) به حبس ابد محکوم می‌شود.
	مجوز قتل نیست (ماده ۳۷۵ ق.م.ا)	
اکراه بر جنایت نسبت به اکراه‌شونده (مکره)		جنایت عمدی است و اکراه‌کننده قصاص می‌شود؛ مگر اکراه‌کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه عمدی است و اکراه‌کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود (ماده ۳۷۹ ق.م.ا)

علل نسبی رافع مسؤولیت کیفری: ۱- اشتباه، ۲- مستی و مسلوب‌الارادگی حین ارتکاب جرم و ۳- خواب و بیهوشی اشتباه

تصور خلاف واقع انسان از واقع، چنانکه امر موهومی را موجود و یا موجودی را موهوم بیندارد. در مفهوم حقوقی اشتباه تصور نادرستی است که انسان از موضوعی پیدا کند و بر مبنای این تصور نادرست رفتاری مرتکب شود که او را متعهد و یا ملزم سازد.

انواع اشتباه اشتباه ۲ نوع است: ۱- اشتباه حکمی ۲- اشتباه موضوعی

۱- اشتباه حکمی

اشتباه حکمی از نظر دکتر ملاکریمی، عبارت است از اینکه «انسان یا در اثر جهل و یا در نتیجه فهم نادرست از مقررات قانونی رفتار مجرمانه‌ای از او سر بزند که اگر حکم واقعی را می‌دانست از ارتکاب جرم خودداری می‌کرد؛ به عبارت دیگر شبهه حکمی (اشتباه حکمی)؛ یعنی فرد اطلاع ندارد که رفتاری که مرتکب شده است، عنوان مجرمانه دارد و جرم محسوب می‌شود»

جهل به حکم: اشتباه حکمی

در خصوص جهل به حکم، قاعده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه جهل به حکم رافع مسؤولیت نیست؛ یعنی اشتباه یا ناآگاهی در مورد قانون موجب رفع مسؤولیت نمی‌شود؛ در این باره در ماده ۱۵۵ ق.م.ا چنین مقرر شده است: «جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست...». حکم این ماده ناظر بر فرضی است که شخص علی‌رغم امکان دسترسی به قانون و آگاهی از آن، در این زمینه تقصیر کرده و با اهمال و بی‌مبالاتی خود، از حکم قانون بی‌خبر مانده است، بدیهی است ادعای جهل در این موارد، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و مرتکب به دلیل ارتکاب عمل مجرمانه، قابل تعقیب و مجازات است.

استثنائات جهل به حکم: اشتباه حکمی

۱. تحصیل علم عادتاً ممکن نباشد (جهل قصوری): اگر حصول علم به قانون، ناممکن و یا فهم درست آن، از قدرت انسان خارج باشد، نپذیرفتن ادعای جهل به قانون ظالمانه خواهد بود در این صورت که برطرف کردن جهل و تحصیل علم غیرممکن است شخص به دلیل وجود بعضی شرایط، قادر به اطلاع از حکم قانونگذار نیست؛ مانند کسی که در جایی خیلی دورافتاده و یا در منطقه‌ای که به اشغال نظامی دشمن درآمده باشد، زندگی می‌کند و نمی‌تواند به هیچ وجه از احکام و مقررات قانونی مطلع شود. استثنائاً جهل قصوری رافع مسؤولیت کیفری است

۲. جهل به حرمت شرعی در حدود: در حدود شرط اجرای مجازات علم به حکم نیز می‌باشد؛ یعنی فرد باید علم به حرام بودن نیز داشته باشد، اگر ثابت شد که چنین علمی که شرعاً لازم است، نداشته عذر محسوب می‌شود و قابل مجازات نمی‌باشد. ماده ۲۱۷ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسؤول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسؤولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد» ناگفته نماند در جرائم مزبور، به صرف ادعای جهل به قانون چنانچه احتمال خلاف آن نرود، دادگاه بدون نیاز به اقامه دلیل، متهم را تبرئه می‌نماید؛ اما استثنائاً در جرائم محاربه، افساد فی الارض و جرائم منافی عفت به عُنْف یا در حکم عُنْف، صرف ادعای جهل کفایت ننموده و قاضی، برای کشف حقیقت باید به تحقیق و بررسی بپردازد. نکته دیگر آن که شرط مسؤولیت در جرائم حدی، آگاهی از حرمت شرعی رفتار (نه آگاهی از جرم بودن آن) است، بنابراین حتی در صورتی که مرتکب با وجود اطلاع از جرم بودن رفتار ارتكابی خود، مدعی بی‌خبری از حرمت شرعی آن شود، حد بر او جاری نمی‌شود؛ برای مثال چنانچه در یک جرم حدی متهم، مدعی شود که از غیرقانونی بودن رفتار خود، طبق قوانین جمهوری اسلامی آگاه بوده ولی از حرمت شرعی آن بی‌خبر بوده است، حد بر او جاری نمی‌شود.

✓ اشتباه غیرقانونی مأمور در اجرای دستور غیرقانونی آمر: در صورتی که مأمور دستور غیرقانونی آمر را اجرا نماید و بعداً معلوم شود که از غیرقانونی بودن دستور بی‌اطلاع بوده و علی‌رغم ناآگاهی از حکم قانون اقدام به اجرای آن نموده است، مجازات نمی‌شود و صرفاً به پرداخت دیه و جبران ضرر و زیان محکوم خواهد شد؛ ماده ۱۵۹ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است»

۲- اشتباه موضوعی

زمانی است که انسان در عملی که مرتکب می‌شود، دچار شبهه و اشتباه شود؛ به عبارت دیگر در موضوع جرم دچار اشتباه می‌شود؛ لذا چون سوءنیت و به تبع آن قصد مجرمانه نداشته جرمی واقع نشده است؛ بنابراین شبهه موضوعی در جرائم عمدی اصولاً موجب زوال عنصر معنوی جرم است. در مقابل، در جرائم غیرعمدی که عنصر معنوی آن تقصیر است، اشتباه موضوعی تأثیری در عدم مسؤولیت کیفری ندارد.

اشتباه موضوعی در جرائم عمدی

اشتباه موضوعی در جرائم عمدی زمانی است که حسن نیت جایگزین سوءنیت شده و قصد مجرمانه و به تبع آن عنصر معنوی زایل می‌شود. در جرائم عمدی اشتباه ممکن است در یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم یا در یکی از علل مشدده وجود داشته باشد:

۱. **اشتباه در یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم:** اشتباه در یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم، فروض بسیاری دارد. گاهی این گونه اشتباهات به صورتی است که وصف مجرمانه را زائل می‌سازد و تقصیر و مسؤولیت جزایی را مرتفع می‌سازد. در این حالت، اشتباه موجب زوال قصد خواهد شد. در این صورت ممکن است بر حسب مورد، فعل مرتکب به علت فقدان قصد، منجر به منع تعقیب او یا تغییر اوصاف مجرمانه شود.

مثلاً فردی به تصور اینکه مال خود را برمی‌دارد، مالی را برداشته، در حالی که در واقعیت، مال متعلق به شخص دیگری است. در این موقعیت این فرد با برداشتن آن مال مرتکب جرم سرقت نشده؛ زیرا او در موضوع جرم سرقت که همان تعلق مال به شخص دیگر است، مرتکب اشتباه شده است و بنابراین تحقق سرقت که یک جرم عمدی است با این اشتباه منتفی می‌شود. در خصوص علم به موضوع جرم، ماده ۱۴۴ ق.م.ا چنین مقرر داشته است: «در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.» در مثال فوق (برداشتن مال دیگر به قصد سرقت) تحقق جرم کاملاً منتفی است.

در برخی موارد اشتباه موضوعی در جرائم عمدی، سبب تبدیل شدن جرم عمدی به جرم غیرعمدی می‌گردد. مثلاً کسی به تصور اینکه در شبکه‌ای چیزی نیست به آن شلیک می‌کند؛ ولی سبب مرگ انسان زنده‌ای که در آن بوده می‌شود؛ در اینجا چون قصد قتل نداشته و مرتکب تقصیر شده است، مرتکب قتل غیرعمد شده است. همچنین در صورتی که شخصی به شوخی تفنگی را که گمان می‌کند خالی از فشنگ است به سمت دوست خود نشانه می‌گیرد و شلیک می‌کند و منجر به قتل دوستش می‌شود؛ در این حالت قتل عمد منتفی است و قتل غیرعمد محقق شده است؛ به عبارت دیگر گاهی اشتباه در عنصر تشکیل دهنده جرم رافع مسؤولیت جزایی نیست، ولی در نوع و طبیعت جرم مؤثر است.

۲. **اشتباه در یکی از علل مشدده:** شبهه موضوعی (اشتباه موضوعی) علاوه بر عناصر تشکیل دهنده جرم، در عناصر مشدده جرم نیز مؤثر است و در صورت جهل مرتکب به آن عامل، مجازات او تشدید نخواهد شد مثل اینکه کسی به یکی از کارمندان، در حالی که به مقام او آگاه نبوده، توهین کند؛ رفتار مجرمانه او عنوان توهین ساده را دارد و نه توهین مشدده موضوع ماده ۶۰۹ ق.م.ا تعزیرات که توهین به کارمندان در حال انجام وظیفه یا به سبب آن را پیش‌بینی کرده است.

اشتباه در هدف

اشتباه در شخص یا هدف با توجه به بند «الف» ماده ۲۹۰ ق.م.ا و بند «پ» ماده ۲۹۲ ق.م.ا باعث می‌شود که قتل، خطای محض محسوب شود.

اشتباه در هویت

اشتباه در هویت مجنی‌علیه، تأثیری در عنوان مجرمانه ندارد؛ ماده ۲۹۴ ق.م.ا در این باره چنین بیان داشته است: «اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی‌علیه و فرد مورد نظر هر دو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود»

✓ اگر مقررات کیفری، اصل و مبنای فعل انسان را مجاز بشناسد، اشتباه در موضوع این افعال همواره کیفیت آن را تغییر می‌دهد.

اشتباه موضوعی در جرائم غیرعمدی

شبهه موضوعی (اشتباه موضوعی) در جرائم غیرعمدی فاقد تأثیر است؛ زیرا عنصر معنوی این جرائم، تقصیر مرتکب (اعم از بی احتیاطی، یا بی‌مبالاتی) است و اشتباه خود یکی از مصادیق تقصیر است. برای مثال کسی که مرتکب جرم رانندگی بیش از حداکثر سرعت مجاز شده است، نمی‌تواند به بهانه اینکه میزان حداکثر سرعت را بر روی تابلوی تعیین سرعت، اشتباه خوانده است، خود را از مسؤولیت کیفری مبری سازد.

✓ **محقون الدم:** کسی که قتل او جایز نیست و مورد حمایت قانون است و هر کس او را به قتل برساند، قصاص می‌شود.

✓ **مهدور الدم:** کسی که خونش هدر است و هر کس او را به قتل برساند، قصاص نمی‌شود و دیه‌ای پرداخت نمی‌کند.

انواع مهدور الدم

✓ **مهدور الدم مطلق:** گاهی خون کسی نسبت به همه مباح است و بنابراین هر کسی که فرد مهدور الدم را به قتل برساند قصاص یا دیه ای نخواهد داشت. برای مثال می‌توان به سائب النبی یا دشنام‌دهنده به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر انبیای الهی و ائمه (علیهم السلام) می‌باشد که نسبت به هر شنونده‌ای مهدور الدم محسوب می‌شود.

✓ **مهدور الدم نسبی:** فرد مستحق قصاص است که فقط در مقابل صاحب حق قصاص مهدور الدم است و نه در مقابل دیگران. برای مثال اگر شخصی فرد دیگری را از روی عمد به قتل برساند فقط نسبت به اولیای دم آن مقتول مهدور الدم است و بنابراین فقط اولیای دم اجازه قصاص او را دارند و بنابراین آن شخص قاتل نسبت به اشخاص دیگر به جز اولیای دم آن مقتول محقون الدم است و اشخاص دیگر نمی‌توانند او را قصاص کنند.

هدف مرتکب معین بوده و جنایت را با اعتقاد به اینکه هدف معین شی یا حیوان است، انجام داده باشد.	بعداً معلوم می‌شود که هدف معین انسان بوده است	جنایت شبه‌عمدی است. (ماده ۲۹۱ ق.م.ا)
هدف مرتکب معین بوده و جنایت را با اعتقاد به اینکه هدف معین، از جمله افراد ذیل با لحاظ ماده ۳۰۲ ق.م.ا است، اقدام کرده باشد: ۱- فرد معین مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات باشد. ۲- فرد معین مرتکب جرم حدی مستوجب قطع عضو باشد. (مشروط بر اینکه جنایت وارد شده بیش از میزان حد نباشد) ۳- فرد معین مستحق قصاص نفس یا قصاص عضو باشد. (فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار جنایت بر عضو) ۴- فرد معین متجاوز یا کسی است که تجاوزش قریب الوقوع است (با رعایت ماده ۱۵۶ ق.م.ا) ۵- افراد معین، زانی و زانیه‌ای هستند که زانیه همسر مرتکب است و زنا خارج از اکراه و اضطرار باشد.	بعداً معلوم شود مجنی علیه از شمول موارد ماده ۳۰۲ ق.م.ا خارج است.	اگر در دادگاه ثابت شود که مرتکب با چنین اعتقادی ولی به اشتباه اقدام کرده است
۱- فرد معین مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات باشد. ۲- فرد معین مرتکب جرم حدی مستوجب قطع عضو باشد. (مشروط بر اینکه جنایت وارد شده بیش از میزان حد نباشد) ۳- فرد معین مستحق قصاص نفس یا قصاص عضو باشد. (فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار جنایت بر عضو) ۴- فرد معین متجاوز یا کسی است که تجاوزش قریب الوقوع است (با رعایت ماده ۱۵۶ ق.م.ا) ۵- افراد معین، زانی و زانیه‌ای هستند که زانیه همسر مرتکب است و زنا خارج از اکراه و اضطرار باشد.	بعداً معلوم شود که مجنی علیه هویت مورد نظر وی را نداشته است.	اگر در دادگاه ثابت نشود که مرتکب با چنین اعتقادی اقدام به جنایت کرده است
فرد معین، شخص محقون الدمی باشد.	بعداً معلوم شود که مجنی علیه هویت مورد نظر وی را نداشته است.	جنایت عمدی است. (ماده ۲۹۴ ق.م.ا)

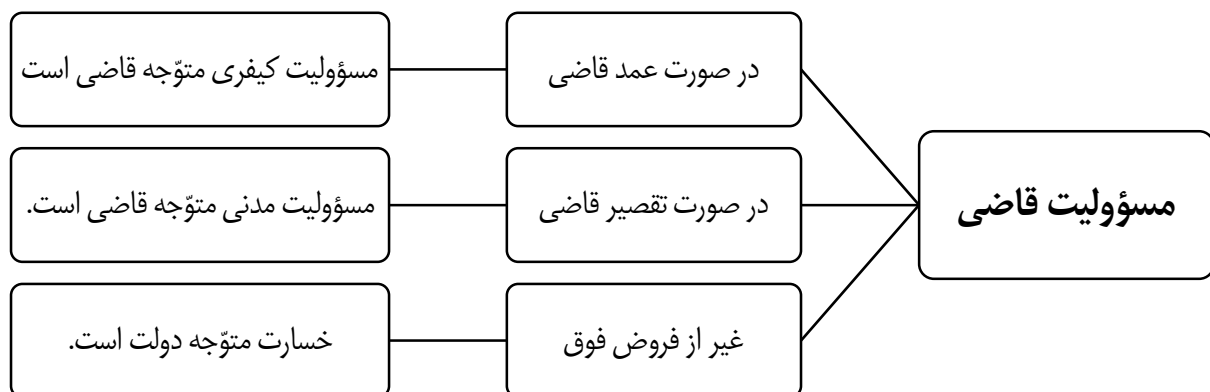
- با توجه به جدول فوق اشتباه موضوعی در جنایات آثار متفاوتی دارد:
- ✓ در کلیه مواردی که هدف معین بوده؛ یعنی قصد فعل و قصد نتیجه از جانب مرتکب بر هدف معین باشد و رفتار نیز بر همان هدف معین واقع شده و معلوم شود که مرتکب در یکی از اوصاف این هدف معین اشتباه کرده است؛ مثلاً انسان زنده را حیوان تصور کرده یا انسان محقون‌الدمی را مهدورالدم پنداشته است، اگر بتواند اشتباه موضوعی را ثابت کند، جنایت شبه عمد خواهد بود. (بند ب ماده ۲۹۱ ق.م.ا)
- ✓ اگر هدف معین انسان زنده محقون‌الدمی قرار داده باشد و رفتار نیز بر همان هدف محقق شود، فقط در هویت این هدف معین اشتباه کند، چنین اشتباهی مؤثر نیست و جنایت عمدی می‌باشد (ماده ۲۹۴ ق.م.ا)
- ✓ اگر هدف معینی داشته باشد، ولی به دلیل اشتباه در هدف‌گیری، رفتارش متوجه انسان محقون‌الدمی شود که هدف وی نبوده (یعنی نه قصد فعل داشته و نه قصد نتیجه) جنایت خطای محض است. (بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا)

اشتباه قاضی و ضمان او

اشتباه قاضی در حکم و موضوع، در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۳ ق.م.ا عنوان شده است.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مُقَصِّر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.»

ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.»



مستی و مسلوب‌الارادگی حین ارتکاب جرم، حاصل مصرف اختیاری مُسکِرَات، مواد مخدر، روان‌گردان‌ها و نظایر آنها

مستی حالتی است که بر اثر مصرف مُسکِر مانند شراب در انسان پدید می‌آید. قانونگذار اسلامی مصرف مُسکِر را به خودی خود چه باعث مستی شود یا نشود، جرم شناخته است. (ماده ۲۶۴ ق.م.ا) در واقع قانونگذار مطلق مصرف اختیاری از مُسکِرَات را منع کرده است. مستی از علل رافع مسئولیت کیفری نسبی است؛ یعنی در صورتی مستی و مسلوب‌الارادگی حاصل از استعمال مشروبات الکلی، مواد مخدر، روان‌گردان و...؛ اصل بر مسئولیت مرتکب است؛ مگر با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۵۴ ق.م.ا که در این صورت، از مسئولیت کیفری معاف خواهد شد.

وصف مستی را می‌توان با نشانه‌هایی متفاوت در رفتار به معنی به هم خوردن تعادل روانی هر مصرف‌کننده مواد، اعم از سُکرآور، مواد مخدر و روان‌گردان با اندکی مسامحه به کار بُرد. در این صورت بر حسب اینکه مستی تعمّدی یا اتفاقی باشد، حکم آن متفاوت است. این حکم را می‌توان

در ماده ۱۵۴ ق.م.ا به این شرح ملاحظه کرد: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مُسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.»

مستی عمدی

مستی عمدی، رافع مسؤولیت کیفری نیست در صورتی که مرتکب خود را برای ارتکاب جرم مست کرده باشد، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد، البته اگر متهم، خود را برای ارتکاب جرمی مست کرده باشد؛ اما مرتکب جرم دیگری غیر از «جرم مورد نظر» شده باشد، نمی‌توان او را به مجازات آن جرم محکوم نمود؛ مثلاً شخصی برای پیدا کردن شهادت در دعوا و مجروح ساخت (الف) خود را مست کند، اما در اثر مستی اتومیل شخص (ب) را تخریب کند، در این صورت نمی‌توان او را به جرم تخریب محکوم کرد.

مستی اتفاقی

در صورتی که شخصی به صورت اتفاقی مست شده باشد؛ یعنی از تأثیری که مواد مخدر یا مُسکر بر روان او دارد اطلاع نداشته باشد و اراده او کاملاً سلب شده باشد؛ در صورتی که جرمی مرتکب شود، مسؤولیت کیفری ندارد؛ به عبارت دیگر اگر شخصی در حالت مستی و بی‌ارادگی حاصل، از مصرف اختیاری مُسکرات به طور اتفاقی مرتکب جرم شود، مسؤولیت کیفری در خصوص جرم ارتکابی ندارد؛ البته به مجازات شرب خمر محکوم می‌شود. شرط عدم مسؤولیت کیفری مرتکب مست، همان حالت بی‌ارادگی است. ولی اگر مرتکب علم داشته باشد که انسان‌ها در چنین حالتی نوعاً اختیار خود را از دست می‌دهند و ممکن است مرتکب جرم شوند، در قبال رفتار مجرمانه خود باید پاسخگو باشند.

✓ عدم مسؤولیت کیفری شخص مست، مستلزم رعایت ۲ شرط است:

۱. مرتکب، حین ارتکاب جرم به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است.
 ۲. مرتکب، خود را برای ارتکاب جرم مست نکرده باشد، ناگفته نماند، در مورد استناد به مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و ... اصل بر عدم وجود شرایط فوق است و اثبات خلاف آن بر عهده متهم است؛ بنابراین در صورتی که در مسلوب‌الاختیار شدن متهم تردید داشت، باید اصل را بر اختیار و اراده او گذاشت.
- در مورد مستی و مسلوب‌الارادگی حین ارتکاب جرم نکات ذیل قابل توجه است:

✓ در جنایات عمدی (اعم از قتل یا جنایت بر اعضا) حتی با جمع دو شرط فوق نیز تنها قصاص ساقط شده و مرتکب علی‌رغم مسلوب‌الاختیار بودن، به تعزیر مقرر در قانون و دیه محکوم می‌گردد. ماده ۳۰۷ ق.م.ا در این باره چنین مقرر داشته است: «ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روانگردان و مانند آنها، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی، ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد.» علاوه بر جنایت عمدی، ظاهراً در سب‌النبی هم قانونگذار مستی را به طور کامل رافع مسؤولیت ندانسته و هر چند حد اعدام به اجرا در نمی‌آید؛ اما مرتکب به مجازات تعزیری مطابق تبصره ماده ۲۶۳ ق.م.ا محکوم می‌شود: «هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است.»

✓ مستی جزء موانع مجازات نمی‌باشد؛ این مسلوب‌الاختیار بودن فرد است که مانع مجازات او می‌شود.

✓ در مواردی که مستی به درجه‌ای نیست که اراده را از انسان سلب کند، مسؤولیت کیفری در عین حال همچنان باقی است، بلکه گاهی اوقات از کیفیات مشدده مجازات محسوب می‌شود؛ مانند مستی به هنگام قتل و ایراد ضرب و جرح غیرعمدی در اثنای رانندگی (ماده ۷۱۸ ق.م.ا تعزیرات)

✓ قانون‌گذار صرف شرب خمر را صرف‌نظر از اینکه موجب مستی بشود یا نشود، جرم می‌داند ولی اگر کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت، به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد.

خواب و بیهوشی

افراد در حالت خواب یا بیهوشی، کنترلی بر رفتار خود نداشته و اعمالی که در خواب از آنها سر می‌زند، برخاسته از قصد و اراده آنها نیست؛ بنابراین اگر در خواب یا بیهوشی شخصی مرتکب رفتار مجرمانه شود، مجازات نخواهد شد. ولی اگر این فرد با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرمی شود، عمداً بخوابد یا خود را بیهوش کند تا در حالت خواب یا بیهوشی مرتکب جرم شود، مسؤول خواهد بود.

ماده ۱۵۳ ق.م.ا: «هرکس در حال خواب (مصادق اجبار مادی درونی است)، (هم خواب طبیعی را شامل می‌شود و هم خواب مصنوعی یا همان هیپنوتیزم) بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند» مانند کسی که بر اثر غلتیدن در خواب صدمه‌ای به دیگری وارد کند. تلقی قانونگذار از رفتار کسی که در خواب مرتکب جنایتی شده این است که مرتکب نه قصد جنایت و نه قصد فعل بر مجنی علیه دارد، بنابراین چنین جنایتی بر طبق بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا: «جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف - در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.» در این صورت، عاقله مسؤول پرداخت دیه است. تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا ق.م.ا: «در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود»

اگر کسی دیگری را خواب کند (هیپنوتیزم) و او را وادار به ارتکاب جرم کند، از جهت سبب اقوی از مباشر مسؤول است، ولی اگر خواب‌شونده خود را در اختیار هیپنوتیزم‌کننده قرار دهد تا مرتکب جرم شود، هر دو مسؤول خواهند بود.

تفاوت‌های «علل موجهه جرم» و «علل رافع مسؤولیت کیفری»	
علل موجهه جرم	علل رافع مسؤولیت کیفری
موجب زوال وصف مجرمانه می‌شوند و در واقع در این موارد رفتار فرد اساساً جرم تلقی نمی‌شود؛ به عبارت دیگر موجب زوال عنصر قانونی جرم است.	رفتار مرتکب جرم است؛ اما قانونگذار بنا به دلایلی او را از مسؤولیت کیفری معاف دانسته است؛ به عبارت دیگر موجب زوال عنصر معنوی جرم است.
بحث اقدامات تأمینی و تربیتی منتفی است، چون اقدامات مذکور صرفاً در مورد مجرمان، قابل اعمال است.	چون رفتار فرد جرم است استفاده از اقدامات تأمینی و تربیتی امکان‌پذیر است.
دفاع مشروع در مقابل کسی که رفتار وی مشمول علل موجهه جرم است، جایز نیست، زیرا دفاع مشروع تنها در مقابل عمل مجرمانه امکان‌پذیر است.	امکان استناد به دفاع مشروع وجود دارد؛ زیرا رفتار طرف مقابل جرم محسوب می‌شود.
علل موجهه جرم جنبه عینی داشته و شامل کلیه شرکاء و معاونین می‌شود	علل رافع مسؤولیت کیفری جنبه شخصی داشته و شامل شرکاء و معاونین نمی‌شود
چون رفتار مرتکب قانوناً مباح است، بحث دیه منتفی است.	چون رفتار مرتکب قانوناً مباح نیست، بحث دیه منتفی نیست.
با توجه به جرم نبودن رفتار، مقام قضایی حسب مورد، اقدام به صدور قرار منع تعقیب (در دادسرا) یا حکم برائت (در دادگاه) می‌نماید.	رفتار مرتکب جرم است، اما قابل تعقیب نیست، به همین دلیل مقام قضایی اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌نماید.

اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. در نگارش بعضی از قسمت‌های این جزوه از کتاب «حقوق جزای عمومی دکتر اردبیلی» و کتاب «حقوق جزای عمومی آقای ساولانی» و کتاب «دوره پیشرفته حقوق جزای عمومی و اختصاصی دکتر بهداد کامفر» و کتاب «حقوق جزای عمومی دکتر شادی عظیم‌زاده» کمک گرفته‌ایم.

آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۲

اینستاگرام: @omid_mollakarimi



امید ملاکریمی هستم؛ به حواسِ پرتِ متولد دهه ۶۰ توو تهران! ارزش اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک گذاشتن آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن مثال‌های روان» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»

داستان من: بعد از اینکه لیسانسم رو گرفتم مثل خیلی از دانش آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که به کار ثابت هم داشتم که ماهانه به حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام به کارمند سطح بالا توو یه اداره بشم که نهایتاً به حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به به حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به به حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم به نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه به کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اول برو یه جاسوئیچی برای ماشینی که توو رو یاته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤل یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یُسرا». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا پیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستم!

به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی

پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است